

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چون بکارِ مستطاف و سبیلِ المحبین سبیل

تنبیه الغافلین

مکرر طبع و منتشر شد بود و اهدای از مرخط

و کاندازان ندازد بود ندازد از اینجهت جالب بود

نبوی لدا اقل العباد محمد علی علی بن ابی طالب

افلاک مطیع ابن بشر شریف منور

امید کرم و استنفا مؤید

و مشالیر از کما خیر

فراهم و شریف

سخن نویسنده سر محمد قاسم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چون بکارِ مستطاف و سبک‌الحمین سیم

تنبیه الغافلین

مکرر طبع و منتشر شد بود و اهدایت از مرخط

و کاندازان نداننده بود و از اینجهت جالب بود

نبوی لدا اقل العباد محمد علی علمای دایم فقیه

افدا من طبع ابن سحر شریف بنمود

امید کرد بود اینست مؤلف

و مثلاً لیس از کما خیر

فراموش نماند

گزاره آفرحانی - تهران مهر خرداد

هَذَا
كِتَابُ تَنْبِيهِ
الْغَافِلِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَمَرَنَا بِالْعِلْمِ وَالطَّاعَةِ وَنَهَانَا عَنِ الْجَهْلِ وَالْمَعْصِيَةِ وَصَلَّى
اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ أَقَامَ عَجَلُ چنين گوید مؤلف این
رساله و محرر این مقاله الحقیق الفقیه الواثق بالفضل الصمد بهاء الدین محمد بن ابی
الثرمد که عزیزی از برادران دینی و فرزندی از فرزندان طهری که همیشه همت خود
را بر کسب سعادت اخروی و علوم دینی مصروف میداشت و قدرتی جز خلوص
عقیده باین کمترین نداشت از کمال اخلاص و ارادت و وفور اختصاص از اینجانبان
نمود که از برای ابرینده مستمند نسخه تالیف و ترقیم کن که بوسیله آن در علم و طاعت
و عبادت بپزاید و از جمله جهل و عصیان و خطایر هیزد و سبب ترغیب شود
در صفحه روزگار برسم یادگار باقی بماند و مزین با بابت قرآنی اخبار آخر الزمان
که بر مؤمنین و مؤمنات مسلمین و مسلمات حجت طاع باشد هر چند این بنفد که
کار خوراد را نمیشبندید که باین امر حرات قیام و اقدام نماید و خور از مقتیدان این
طهر بنی شمر چون حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که مَنْ سَأَلَ عِلْمًا يَنْفَعُهُ
فَكَمَتْهُ أَجْرُهُ اللَّهُ يُلْجِئُ مِنَ النَّارِ بَعْضَ أَكْسِيكُمُ سُّؤَالَ شُؤَالٍ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ

پوشانند پس او را خدا تعالی بجام کند بجام آتشین و ستم که در زمرة ابطایفه
 باشد این حدیث خبر میدهد از حالت ایشان و نیز خبر میدهد بحکم این حدیث العلم
 لا یجلی منعه یعنی حلال نیست منع کردن علم از مسلمانان پس بر خود فرض
 عین دانسته و این رساله شریفه را که موسوم است به تنبیه الغافلین شرع
 نموده و ترتیب داده بر یک مقدمه و نه باب و خاتمه و بفارسی نوشته شده تا خواص
 و عوام از معنی این رساله شریفه سودمند شوند تا حق تعالی بر خواننده و نویسنده
 و شنونده و رساننده و یادگیرنده و عمل کننده و مؤلف رحمت کند ان شاء الله
 والقبول اقامه مقدمه در طلب علم باب اول در بیان
 فضیلت علم و علماء و غیره باب دوم در بیان فضیلت نماز و عفتانارک
 ان باب سوم در بیان عذاب مانع الزکوة باب چهارم در بیان عذاب
 خمر خواران و قمار بازان و شطرنج بازان باب پنجم در بیان بهشت و دوزخ
 باب ششم در بیان بعض چیزهایی که خداوند عالم امر کرده است باب
 هفتم در بیان چیزهایی که خداوند عالم نهی کرده است بعضی قولی و بعضی
 فعلی باب هشتم در بیان عالم و متعلم و غیره باب نهم در بیان اکرام
 مهربان و همسایه و ثوابان و فضل اهل سخا و ذم اهل بخل خاتمه در بیان
 معاصی جوارح و دل و عمل خالص و غیران اقامه مقدمه در طلب علم بدانکه
 خدا تعالی بر همه مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات از مرد و زن آزاد
 بنده واجب لازم گردانیده طلب علم را چنانکه در کلام مجید فرموده فاستلوا
 اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون یعنی پرسید و سؤال از اهل ذکر یعنی علماء و برگزینان
 دین اگر نمیدانید و نیز عمل موقوفست بعلم زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله

در فضیله طلب علم

۴

فرمود العلم بلا عمل ضلال یعنی علم بجهل ضلالت و گمراهی است چنانکه جناب رسول خدا ص فرموده العلم بلا عمل كالقوس بلا وتر یعنی علم بی عمل چون کمانی بی زه بود دیگر حضرت رسول ص فرموده طلب العلم فریضة على كل مسلم ومسلمة یعنی علم واجبست بر هر مرد مسلمان زن مسلمان فطر

گشته فرض علم بر هر مرد و زن	جستن علم بر فرايض باسنن
کادم از علم امدافرون بر ملک	روز عرض سجده پیش و المنن

دیگر رسول خدا ص فرموده اطلبوا العلم ولو كان بالصحین یعنی بجوئید طلب کنید علم را اگر چه در چین باشد شعر طلبکن نوعلی از اموختن گرت سوی چین هم بیاید شدن — اگر عالمی از ملک بهتری و گرجا هلی مانده ممتحن دیگر رسول خدا صلی الله علیه و اله فرموده اند اطلبوا العلم من المهد الى اللحد یعنی ز گهواره تا کورد انشجوی و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرموده اطلبوا العلم ولو كان بين يديكم نارا تحرقون او تحرقون یعنی طلب کنید علم را اگر چه باشد پیش شما انش سوزان یا در بانی غرق کننده باز نماند و بطلب علم مشغول باشید که بی علم خدا را پرستیدن ضلالت است و راه بحق نتوان بردن مگر بعلم بیت

بیا موز علم و ادب ای پسر	که بی علم کس را بجو راه نیست
کسی ننگ دارد ز اموختن	که از ننگ نادانی گاه نیست

دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود اطلبوا العلم فان الظالمین في الدنيا کثیر یعنی طلب کنید علم را و بجوئید د انشرا که جویندگان درد بسیارند و در نجوای موسی علی نبینا و اله و علیه السلام آمده اند که

خدا تعالی خطاب کرد که ای موسی بگو نعلینی از آهن و عصائی از آهن طلب
کن علم را و بحدوث انشا چند آنکه نعلین بدرد و عصا بشکند و بدرسنی که هر
علم که بی عمل بود هباء منثورا خواهد بود پس علم دلیل عمل بود و هر چه بی
دلیل و حجت باشد هیچ شک نیست که در بیان ضلالت و سرگردانی بماند
بهدلیل راه رفتن خطا نیست بزرگ شعر بر خلق جهان علم نیا هست
بی علم کنی کارگاه است گاه ناباد جهان ز علم بادار و شن بی علم همه
کار سیاه است سیاه دیگر حضرت رسول ص فرموده که مثل الذی
یعمل بغیر علم کمثل الحمار فی الطاحونه بدورنی مکانیه لا یتطیع ان یجاو
عن مکانیه یعنی مثل کسی که عمل کند بی علم مثل خری بود که برگردد سیاه
بگردد و نتواند که از جای خود تجاوز کند و همیشه سرگردان باشد و این همان
مردمان در جهالت مانده و کمتر بطلب علم رجوع میکنند و سبب سیه و مرگی
دل ایشان در آنست و نمیدانند که حیوة و سفیدی دل بعلم است زیرا که
حضرت رسول ص فرموده العلم صیقل القلب یعنی علم صیقل دهنده دل
دیگر حضرت رسول ص فرموده القلب مذبذب و حیوئه بالعلم و العلم میت و
حیوئه بالطلب یعنی دل مرده است و زندگی او بعلم است و علم مرده است
و زندگی او بطلب حاصل میشود نظم دل جاهلان مرده شناس
نباشد دل جاهلان خوش شناس دل را بعلم و ادب زنده کن
و گرنه تو باشی خردنا شناس تمت المقدمه والله المستعان علیه التکلان
از خدا جویم توفیق ادا دت بی ادب محروم ماند و لطفت
باب اول در بیان فضیلت علم و علما و غیره و این باب مبنی است بر

کتاب فیاض فی طلب علم

۶

فصل اول در بیان علم در روایت صحیح آمده است که صحابه از حضرت
رسول پرسیدند یا رسول الله کدام عمل افضل است فرمود علم اموختن باز
سؤال کردند باز فرمود علم صحابه عرض کردند ما از عمل سؤال میکنیم جناب رسول خدا
فرمودند که ان قليل العمل مع العلم كثير وكثير العمل مع الجهل قليل یعنی
اندکی عمل با علم بسیار بود و بسیاری عمل با جهل اندک بود پس عمل که با علم
نباشد هیچ قربی منزلی نزد خدا تعالی ندارد نظم کر عمل با علم باشد اندک
هست بسیار قبول پیشی و بود با جهل بسیار عمل کم بود باید قبول از دیگر
دیگر جناب رسول خدا فرموده اند تعلم ساعة خير من عبادة سنة قائم
بالليل وصائم بالنهار یعنی یک ساعت مشغول بودن بطلب علم بهتر است از
عبادت یکسال که شبها بنماز بوده و روزها بروزه دیگر جناب پیغمبر فرمود
العلم ثمرة الايمان وسراج الاسلام یعنی علم میوه ایمانست چراغ اسلام
هر که را علم نباشد یقین بدان که او را از ایمان بهره نیست و دیگر حضرت
رسول فرموده که خير الدنيا والاخرة مع العلم وشر الدنيا والاخرة مع الجهل
یعنی نیکی دنیا و آخرت با علم است و شر دنیا و آخرت با جهل است دیگر حضرت
رسول فرموده حدیثی که معنی آن بفارسی اینست که هر یک مسئله از علم پیامبر
خدا ی تعالی هزار فلاده از نور در گردن او اندازد و در قیامت هزار گناه او را
بیامرزد و در بهشت از برای او شهر بنا کند از زر و سرخ و بنویسد خدا تعالی
دوایان اعمال او بعدد هزار موئی که در بدن داشته باشد ثواب یکج و عمره و
نیز چنین گفته اند که علم حیاة دل و مصباح بصر بود دیگر حضرت رسول فرموده
که العلم و دینه الله في الارض والعلماء امناء یعنی علم امانت خداست و علم

و علماء امینان او پند و دیگر در روایت صحیح آمده که اختلاف در میان اهل
شام و بصره در فضیلت علم و مال فساد اهل شام گفتند مال افضل است
اهل بصره گفتند علم افضل است هر دو طایفه بخد مت مولای متقیان آمده
عرض کردند یا ولی الله مسئله ما را بجای جواب فرماید انحضرت فرمودند یا
اهل الشام علم هشت درجه از مال بالاتر است اول علم میراث پیغمبر است و
مال میراث کس و فرعون و قیصر و شداد و دؤیم علم زیاده شود با نفاق و مال
کم شود بخرج سؤم آنکه علم صاحب خود را نگهدارد و مال را صاحبش نگذارد
چهارم آنکه عالم چون بمیرد علم از وی جدا نشود و در قبر و عرشا قیامت یار
او نماید و مال را نزد بک مرگ و ارثان بریابند و قیمت نمایند پنجم خلق عالم حیا
گروهند اول امراء دؤیم اغنیاء سیم علماء چهارم فقراء پس سه طایفه ایشان
محتاجند بعلماء و علماء را با ایشان احتیاجی نیست ششم آنکه علم را خدا نهد
مگر بخاصان و برگزیدگان خود و مال را نهد مگر بکافران و ظالمان هفتم
آنکه علم صاحب خود را از صراط بگذراند چون برق در خشان و مال صاحب خود
را در صراط بگذارد تا خدا بخواهد حکم کند هشتم آنکه ای اهل شایه کس بجمع
کردن علم دعوی خدا نمی کند و فرعون بجمع کردن مال دعوی خدا نمی کرد نظم

بشنو از من گرتو هستی یا خبر
علم نزد انبیاء یا هنر

علم مثل جوهر است ای بابصر
هست فاضل از ملک مال و جا

ابن عباس گوید پیغمبر فرمود از جبرئیل پرسیدم کدام جهات فاضلتر است
گفت علم را موختن گفتم دیگر چه گفت پنج وقت نماز بخوان و در آن گفتم پس از آن
گفت نگر بن بر و عالمان و دانایان که با ایشان نشستن عبادت جناب سؤم خدا

در بیان فضیلت علم و عالم

۸

حدیثی فرموده که بفارسی اینست که یکساعت نزد عالم نشستن که در آن
ساعت بیان علم کند بهتر و نیکوتر است از هزار رکعت نماز ببطوع و از صد
هزار شیخ و از هزار اسب که برای غزای کافران بسته باشد و دیگر سجده فرشتگان
ادم را بسبب علم و فهم ادم بود دیگر حق تعالی پیاموخت سلیمان را مسئله و منت
هادی را و گفت فهم منتهای سلیمان و ملک پادشاهی داد و گفت هَذَا
عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ و دیگر فضیلت علم آنست که انبیا همه محبت که خدا بی تعالی را
باحضرت محمد ص بود و با پیغمبران دیگر نبی چون خواست که محبت او با ایشان زیاد
شود فضیلت اظهار نبوت و با ایشان کتاب فرستاد و مراد از آن کتاب علم و
دانش است پس معلوم شد که چیزی فاضلتر از علم نیست نزد خدا تعالی

و انبیاء و اوصیاء و اولیاء - شعر علم و دانش پیش جمله انبیاء

هست افضل پیش جمله اولیاء

در زمین و کوه و دریا و سما

افضل در قر و در بیان

علماء و غیره خدا تعالی میفرماید يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
دَرَجَاتٍ یعنی کسانی که ایمان آوردند و دانش خستند از شماها مرتبه آنها بلند خواهد
بود نزد خدا تعالی و در مجاد دیگر میفرماید إِنَّمَا نَحْنُ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ یعنی کاتبان
که عالمند از خدا تعالی میسرند فرمانبرداری او را انجام میاورند دیگر حضرت
رسول ص فرموده عَظُّوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّكُمْ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
یعنی بزرگ و گرامی دارید علماء را بدو سنی که شما را بعلم ایشان احتیاج است
در دنیا و آخرت دیگر حضرت رسول ص فرموده مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عَقَائِدِ
اللَّهِ مِنَ النَّارِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى الْعُلَمَاءِ وَ الْمُتَعَلِّمِينَ یعنی هر که دوست

دارد نظر کند بسوی ازادگان خدا از آتش پس نظر کند بسوی عالمان و مُنعلمان دیگر
حضرت رسول ص فرموده من خدَمَ عَالِمًا سَبْعَةَ أَيَّامٍ وَقَبْلَ سَبْعِ سَنَوَاتٍ أَعْطَا
اللَّهُ بِكُلِّ يَوْمٍ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ یعنی هر که خدمت کند عالمی را هفت و زوای بعضی
گفته اند هفت سال بدهد خدا بیغالی هفت روز را ثواب هزار شهید دیگر چنان
رسول خدا ص فرمود من آکرمَ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا فَكَأَنَّمَا آکَرَمَ سَبْعِينَ نَبِيًّا یعنی هر که
گرامی دارد عالمی یا مُتعلّی را چنان باشد که هفتاد پیغمبر را گرامی داشته است
دیگر رسول خدا ص فرمود که فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لِنُجْمَةِ الْبَدْرِ عَلَى
سَائِرِ الْكَوَاكِبِ یعنی که فضل عالم بر عابد چون ماه شب چهارده بود بر ستارگان
دیگر و نیز رسول خدا ص فرموده که بَيْنَ الْعَالِمِ وَالْعَابِدِ مِائَةٌ دَرَجَةٍ بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ
مِائَةُ الْفَرَسِ الْجَوَادِ الْمُضَرَّ سَبْعِينَ سَنَةً یعنی میان عالم و عابد صد درجه است
میان هر درجه با دیگر چندان مسافت بود که اسب تیزرو هفتاد سال برود

و این قدر فضل بود عالم را بر عابد شعر	صاحب دلی بمد رس آمد ز خانقاه
بشکست عهد صحبت اهل طریق را	گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود
تا اختیار کردی از ان این فریق را	گفت آن کلم خورشید میبزد موج
و بن جهم میکند که بگیرد غریق را	دیگر حضرت رسول صلی الله علیه

والله فرمودند فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ عَلِيٍّ أَمِّيٍّ عَلَى أَبِيهِ یعنی فضل عالم بر عابد
چون فضل منست بر امت من دیگر فرموده سَأَلْتُ جَبْرِئِيلَ أَيُّ جِهَادٍ أَفْضَلُ
لِأَمِّيٍّ قَالَ طَلَبُ الْعِلْمِ قُلْتُ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ زِيَارَةُ الْعُلَمَاءِ یعنی سؤال کردم
از جبرئیل کدام جهاد فاضل تر است بر امت من گفت طلب علم کردن گفتیم دیگر
چه گفت زیارت کردن علماء دیگر حضرت رسول ص فرمَوْا الْعَالِمُ الْوَاحِدُ أَكْرَمُ عِنْدَ اللَّهِ

بِكَارِ بَيَانِ فَضِيلَتِكَ ۱۰

مِنْ أَلْفِ شَهِيدٍ بِكَرْحَضَرَتِ رَسُولِ خَدَاةَ ۴ فَرَمُودَ سَأَلْتُ جَبْرِئِيلَ وَقُلْتُ
 الْعُلَمَاءُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ أَوِ الشُّهُدَاءُ قَالَ لِعَالِمِ الْوَاحِدِ أَكْرَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عَشْرَةِ
 الْفَقِيهَانِ أَقْدَاءُ الشُّهُدَاءِ عَلَى الْعُلَمَاءِ يَعْنِي سُؤَالَ كَرْدَمِ أَزْجَرِئِيلَ كَقَتْمِ عَلَمِ الْبَرِّ
 تَرِنْدُ نَزْدُ خَدَايَ عَالِي بَا شَهْدَاءُ كَقَتْمِ عَلَمَاءِ بَزْرَكُ نَزْدَ زَدَه هَزَارِ شَهِيدٍ بَدْرَسَنِي
 أَقْدَاءِ شَهْدَاءِ بَرِ عَلَمَاءِ اسْتَدِ بِيكَرْحَضَرَتِ رَسُولِ ۴ فَرَمُودَه حَدِيثِي كِه مَا حَصَلَ
 مَضْمُونِ آن بَفَارِسِي اِيْنَسْتِ كِه طَلَبِ كُنْدَه عِلْمِ پِشِ خَدَايَ عَالِي أَفْضَلُ اسْتِ اِنْ مَجَاهِدِ
 وَحَاجِيَانِ وَمَعْتَمِرَانِ وَمَعْتَكِهَانِ مَجَاوِرَانِ وَآمَرِشِ خَوَاهَنْدَازِ بَرَايِ اَوْ دَرِخْتَانِ
 وَدَرِيَاهَا وَابَرِهَا وَبَادِهَا وَسَنَارِهَا وَهَرِجِيْرِيْ كِه أَقْنَابِ بَرَاوِ بِنَا بَدِ بِيكَرْحَضَرَتِ
 رَسُولِ ۴ فَرَمُودَنْدِ حَدِيثِي كِه مَعْنِي آن بَفَارِسِي اِيْنَسْتِ كِه هَر كِه اَنْدِ هَكِيْنِ شَوُ بَمَرْكَ
 عَلَمَاءِ بَدْسَتِي كِه اَوْ مُنَافِقِيْنِ اَشَدِ دَر دُنْيَا وَآخِرَتِ زِيْرَا كِه هِيْجِ مُصِيبَتِي بَزْرَكُ اَز مَرْكَ عَلَمَاءِ
 نِيْسْتِ كِه چُونِ عَالِمِي وَفَاتِ كَنْدَا سَمَافَا وَاوَسَا كَانِ اِنْهَا هَفْتَادِ رُوزِ بَرَاوِ بَكْرِيَنْدِ
 زَارِي نَمَايَنْدِ هَر كِه اَنْدِ هَكِيْنِ شَوُ بَمَرْكَ عَلَمَاءِ بَنُو بَدِ حَقِّ عَالِي دَر دِيْوَانِ اَعْمَالِ اَوْ
 ثَوَابِ هَزَارِ شَهِيدٍ بِيكَرْفَرَمُودَ مَنْ حَقَّقَ طَالِبِ الْعِلْمِ فَقَدْ حَقَّقَ فِيْ مَنْ حَقَّقَ فِيْ فَلَهُ النَّارُ يَعْنِي
 هَر كِه خَوَارِدَارِ طَالِبِ عِلْمِ اِيْدِ سَتِيْ كِه مَرَا خَوَارِدَا شَنَدِ اسْتِ هَر كِه مَرَا خَوَارِدَا رَدِ
 جَايِ اَوْ دَرِ اَتَشِ اسْتِ وَدِيْكَرْ فَرَمُودَ مَنْ حَقَّقَ طَالِبِ الْعِلْمِ فَهُوَ مُنَافِقٌ مَلْعُونٌ
 فِي الدُّنْيَا وَآخِرَةِ يَعْنِي هَر كِه خَوَارِدَا رَدِ عَلَمَاءِ وَطَالِبِ عِلْمِ اِيْدِ سَتِيْ كِه مُنَافِقٌ مَلْعُونٌ
 اسْتِ دَر دُنْيَا وَآخِرَتِ اِيْ بُوْدُ وَجُوْ تُوْزِ بَكْفِطْرَه مِنْهُ هَئَا نَا كُنِيْ بَعَالِمَانِ كِيْرْمِيْ
 زِيْرَا كِه چُنِيْنِ كَفْتَهَ رَسُولِ مَدِيْنِيْ مَنْ أَكْرَمَ عَالِمًا فَقَدْ أَكْرَمَنِيْ دِيْكَرِ رَسُولِ
 خَدَا فَرَمُودَه عَلَمَاءُ اَقْمِيْ كَا نَبِيَّاءِ بَنِيْ سَرَايِيْلَ يَعْنِي عَلَمَاءُ اِمْتِ مِنْ چُونِ
 پِيْغَمْبَرَانِ بَنِيْ سَرَايِيْلَ بِنْدِ دِيْكَرِ حَضَرَتِ رَسُولِ ۴ فَرَمُودَ اِنْ لِيْطَالِبِ اِلِيْ اِسْتِغَاثَه كَشْفَا

۱۱ ذر فضیلت علما

الانبياء يعني طالب علم را فرداي قيامت شفاعت باشد چون شفاعت پيغمبران
 ديگر حضرت رسول فرمود مَنْ مَاتَ فِي تَعْلَمٍ قَبْلَ بُلُوغِ مَقْصَدِهِ خَلَقَ اللَّهُ لِمُلْكًا
 فِي قَبْرِهِ يُعَلِّمُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ يعني هر عالمي كه بميرد و در طلب علم باشد پيش از آنكه
 بمقصدش برسد خداي تعالى بپا فرسند در قبر او فرشته را و او را تعليم نمايد تا روز
 قيامت تا مقصود حاصل شود ديگر رسول خدا فرموده مَنْ أَذِلَّ عَالِمًا يَغْبِرْ حَقَّ
 أَذَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤْسِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يعني هر كه
 بر بچاند عالمي را بي جرم و خوار و ذليل دارد او را حق سبحانه و تعالى بر حشرگاه
 اولين و آخرين چنانكه اهل عرصات بدانند كه گناه او از همه

بيشتر است و نه جناب رسول خدا فرموده النَّاسُ لثَنَانُ عَالِمٍ وَمُنْعَلَمٍ وَ
 الْبَاقِي كَالْهَيْجِ لِاخْتِلافِهِمْ يعني مردمان دو گروهند يكي عالم و ديگر منعلم
 يعني آموزنده و ديگران خرمگسند كه خبري در ايشان نباشد **نظم**

انكه او را آدمي كفت رسول	درميان خلق قول او قبول
عالم است طالب علم و ذكر	مردمان چون خرمگس باشند

ديگر حضرت رسول فرمود مِمَّا دُ الْعُلَمَاءُ أَفْضَلُ مِنْ دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ يعني
 مداد علما كه بان احكام و احاديث بنويسند بهتر و نيكوتر است از خون شهيدان
 ديگر حضرت رسول فرمود مَنْ حَفِظَ مِنْ أَمْنِيَّ اَرْبَعِينَ حَدِيثًا حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
 فَيَقِيهَا يعني هر كه از امت من ياد كرد و حفظ كند چهل حديث محشور سازد خدا
 او را در روز قيامت فقيهه يعني نام او را در جرگه فقهاء و علماء بنويسد ديگر
 حضرت رسول فرمود عَلَيْكُمْ بِعَمَلِ الرِّجَالِ قِيلَ وَمَا ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ تَعْلَمُ
 الْعِلْمَ وَصُحْبَةَ الْعُلَمَاءِ يعني شما بايد عمل مردان عرض كردند يا رسول الله چيست

ذَرَبَيَانُ فَضِيلَتُهُ

۱۲

تعلیم مردان فرمود با عالم نشستن علم آموختن دیگر حضرت رسول ص
 العالم کالذَّهَبِ الْمُتَعَلِّمُ كَالْفِضَّةِ وَمَادُونَهُمَا كَالرَّصَاصِ یعنی عالم
 چون زر است و متعلم چون نقره و باقی چون ارزپرد دیگر حضرت رسول ص
 فرمود اشرف امتی حملة القرآن یعنی بزرگترین امت من خوانندگان قرآن
 و نیز حضرت رسول ص فرمود اخیارکم و ابزارکم و افضلکم من تعلم القرآن و
 علمه یعنی بزرگترین شما انکس باشد که قرآن را یاد گرفته و بد دیگران
 بیاموزد دیگر فرموده حدیثی که معنی آن بفارسی اینست که چون کسی بنشیند
 نزد عالمی برای آموختن علم بکشد خدا بعالی بر او و هفتاد دراز در محاربت
 خود و چون از آنجا برخیزد امرزید و رستگار شود چنانکه از مادر متولد شده و
 بدهد خدا بعالی با و هر حرفی ثواب عبادت یکساله و بنا کند برای او هزار شهر
 در بهشت که هر شهر بزرگی ده مقابل دنیا باشد پس واجب لازم است بر همه
 مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات که در تحصیل علم بکوشند تا این
 دولت ثواب را در یابند و از خجالت خلاص شوند

بیاموز علم و ادب ای پسر	زمانه در نرزد کسی با هنر
بتحصيل دانش تو کوشش نما	که دانا چو شاه است نادان چو خر

در روایت صحیح آمده که شخصی زرد را مد و سلام کرد و گفت یا رسول الله چه اجر
 داشته باشد نزد حق تعالی کسی که فرزند خود را قرآن بیاموزد انجناب فرمودند
 قرآن کلام پاک حق تعالی است و ثواب آنرا بجز خدای تعالی کسی نمیداند بپا کند
 آنحضرت در آن سخن بود که ناگاه جبرئیل از جانب ربّ جلیل در رسید و گفت
 ای محمد حق تعالی تو را سلام میفرماید و میفرماید هر که فرزند خود را قرآن

پیامورد چنان باشد که ده مرتبه حج کرده و هزار بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و ده هزار مسکین را طعام داده باشد و هزار برهنه را پوشانیده باشد و بنویسد بصره فی ردی و توان اعمال او ده حسنه و محو کند ده سیئه و در بار او باشد گران گردانند میزان او را و بکنانند او را از صراط چون برف و هرگز از وی جدا نمیشود و چنانکه ده هزار عمره بجا آورد باشد هزار بار بجنات کافران رفته باشد و بدهد خدا بنعمتی بوی هزار کرامت و بزرگی و نبکوئی از ارزوها و ربنا

جان مؤمن شادمان از خواندن قرآن بود	خواندن قرآن بظاهر جان را جانان بود
هر که با فرزند خو از بهر قرآن رنج برد	رفتش روز جزا اند بهشت اسان بود
شرع چون سبز است قرآن قطره باران بدین	قوت هر سبزه از قطره باران بود
هر که باشد روز و شب بخواند قرآن وین	ناقر پیش مصطفی با جمله یاران بود
عزت از قرآن بونا زنده باشی در جهان	چون بمیرد مونسست رقبه هم قرآن بود

و دیگر رسول اگر مصلی الله علیه و سلم حدیثی فرموده که معنی آن بفارسی این است که در هر شهر یا قریه عالمی یا معلمی را باید از طعام ایشان نخورد و آب ایشان را نیاشامد از یک طرفه ارد شود و از جانب دیگر بیرون رود و حق تعالی بر دارد عذاب را از اهل کورستان ایشان تا چهل سال پس از آن با فضیلت رزق انبیاء و اولیاء و اوصیاء علم و تقوی و ادبست و مال بسیار را قریب منزلتی نیست **شعر**

جوان پرهیز بینی برو بر سال او مشمر	که ده ساله هنر ورزی پنجه لسا کاوخر
تورا از علم میرسم تو بیک نزد من آری	اگر سری هنر بود بدی ابله پس بخیبر
فصل سیم در احوال فاضیان و عالم طریغی و فتنه گرانجامه	
بدانکه فاضیان عالمان سه گروهند یک طایفه اهل بهشت و دو طایفه اهل دوزخ	

بحکم آنچه بدست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده القضا ثلاثه فاضیان فی النبی
و فاض فی الجنة یعنی فاضیان سه گروهند دو گروه از ایشان درد و زخ باشند
و یک گروه در بهشتان دو گروه که درد و زخ باشند یکی آنست که ایشانرا علم نبی
و از روی جهل و نادانی جواب مسائل شرعیه گوید و بغیر ما انزل الله حکم کنند و م
علمانی باشند با علم ولی تمیل و رشو حکم کنند ایشان از جمله فاسقان باشند چنانکه
خدا بیغالی میفرماید مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُم الظَّالِمُونَ یعنی هر که حکم
نکند بآنچه خدا بیغالی فرستاده است پس او از طایفه ظالمان باشد دیگر رسول
خدا فرموده الْعِلْمُ بِلاَ عَمَلٍ وَبِالْإِسْلَامِ عَمَلٌ وَبِالْإِسْلَامِ عَمَلٌ وَبِالْإِسْلَامِ عَمَلٌ
رسول فرمود و بِلِ الْعَالِمِ بِنَكْلِهِ هَوَى النَّاسِ لَا يَكُونُ أَحَدًا شَدْمِنَهُ عَذَابًا يَوْمَ
الْقِيَمَةِ یعنی بل مرعای راستی که سخن گوید بهوای مردمان که در روز قیامت هیچ
کسرا عذاب از وی سخت تر و دردناکتر نباشد و دیگر حق تعالی میفرماید أَنَا مُرُونَ
النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنشَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ ثَلَاثُونَ لِكِتَابٍ یعنی ایها امر می کنید مردمان
را به نیکی و فراموش می کنید خودتان را و شما علماء و خوانندگان قرآنید
و دیگر حضرت رسول فرموده الْعَالِمُ بِلاَ عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلاَ ثَمَرٍ فَالْأَوَّلُ
بِهِ یعنی عالم بعمل چون درخت بی بر است اندر مثل که باتش سوزان سزاوار
تر است و هر درختی که میوه اش نباشد بغیر از آتش او را اجائی نباشد شعر

جان او از علم و آگاه نیست
جز باتش کش پناه راه نیست

عالمی را که عمل همراه نیست
چون درخت بی بر است اندر مثل

بختیونی باید دانست که علم بعمل دیوانگی است که تو را امروز مطیع نکرده اند
از معاصی باز ندارد و فردا از آتش دوزخ نیز باز ندارد شعر

علی که تو را بحق رساند بطلب علی که تو را بطاعت اربط بطلب

و نیز حضرت رسول فرمود العلماء امانة الرسول ما لم يدخلوا فی الدنیا فاذا دخلوا فی الدنیا فاحذروهم علی ذینکم یعنی علماء امینان پیغمبرانند تا زمانی که گرویده دنیا نکرده اند چون گرویده دنیا شوند پس هر یک از ایشان نادرین شما نقصان نشود و دیگر خدا بتعداد حق منجمان فرموده قل لا یعلم من فی السموات و الارض الغیب الا الله یعنی یحیی محمد که ندانند آنچه در آسمان و زمین هستند غیب را مگر خدا یغالی و نیز حضرت رسول فرمود المتحجیم عند الله و عند الناس منهم وله فی القبر ندامة شديدة و عذاب الیم یعنی منجم نزد خدا یغالی عاصی و نرد ادمینا متهم و در قبریشمانی سخت و عذاب در دناک خواهد کشید دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده من انی کا هنا فصدقه بما یقول فقد کفر بما انزل الله علی محمد یعنی هر کس پیش مال یا منجم رود و قول ایشانرا صدق کند و آنچه گویند و از غیب خبر دهند بد رستی که کافر میشود با آنچه خدا یغالی فرستاده است بر محمد و دیگر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که المنجم کالکاهن و الکاهن کالساحر و الساحر کالکافر و الکافر فی النار یعنی منجم چون فالگو و رمال است و فالگو چون جادوگر بود و جادوگر چون کافر بود و کافر در آتش و زخ است نظم منجم یکی گمراهی و ان تمام بقول خدا و رسول انام مکین قول و را نواز جابو که کافر شو انفلاد و الله

باب دوم در بیان فضیلت نماز و عفتا تا زکات

وان مبنی بر سه فصل است فصل اول در بیان فضیلت نماز و خبر آمده است از ائمه علیهم السلام که یک نماز فریضه نزد خدای تعالی بمنزله بیست حج است و یکج فاضلتر است از خاک که یراز طلا باشد و صاحبش آنرا در فی سبیل الله صدق

کتاب فیاض المثلث کذا راز

۱۶

دهد که تمام شود و هم چنین در خبر آمده است از اهل بیت علیهم السلام که هیچ
و وسیله بنده نزد یک خدا نیست نباشد مگر بنماز بعد از معرفت خدا یعنی
و نیز حضرت سول^ع فرمود که معنی انحدیث بفارسی اینست که چون بنده روبرو
آورد از برای نماز با خلاص تمام و نیت کند و الله اکبر گوید بیرون آید از گناه
و آنکه از مادر متولد شده باشد و بگوید اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
تا رموی که در بدن او باشد خدا یعنی ثواب عبادت یکسال در دهوان اعمال
او بنویسد چون فاتحه و سوره بخواند چنان باشد که یکج و عمره بجا آورد باشد
و چون رکوع کند و تسبیح بگوید چنان باشد که بوزن خود زر سرخ صدقه داده
باشد و تمام کتابهای خدا را خوانده باشد چون سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ گوید خدا
یعنی بنظر رحمت در رو او نگاه کند و چون سجده کند و تسبیح گوید خدای
بدهد او را بعد از فرشتگان حسنه چنان باشد که بنده ازاد کرده باشد چون
تشهد بخواند بدهد حق تعالی او را ثواب صابران و چون سلام بدهد خدا
یعنی بکشد در رکعتها بهشت را بر روی وی در آید در بهشت از هر دری که خوا
بی حساب و نیز حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ بَعْدَ
الْإِيمَانِ الصَّلَاةُ یعنی فاضلترین اعمال بعد از ایمان نماز است دیگر رسول خدا
فرموده الصَّلَاةُ كَفَّارَةٌ لِّلْخَطَايَا یعنی نماز كفارة گناهان باشد و نیز آنجناب فرمود
إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ مُقْبِلًا عَلَى اللَّهِ بِقَلْبِهِ وَسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ
إِنْصَرَفَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ یعنی چون بنده برخیزد برای نماز فرضیه پیش
خدا یعنی بایستد بادل پاک و اخلاص عمل چون از نماز بازگردد و فارغ شود
بدستی که بیرون آید از گناه چون طفلی که از مادر متولد شده باشد دیگر

در تبیین فضیلت نماز

۱۷

حضرت رسول فرموده الصَّلَاةُ مُعْرَاجٌ اَقْبَنی یعنی نماز معراج اقصی است نیز
 انحضرت میفرماید حدیثی که معنی آن بفارسی اینست که چون بنده تکبیر بگوید ثَمَّ
 گاهانش ریخته شود دیگر حضرت رسول فرموده إِنَّ لِلَّهِ مَلَكَ مُنَادٍ یُنَادِی
 فِی وَقْتِ الصَّلَاةِ أَیُّهَا النَّاسُ قُومُوا إِلَىٰ أَطْفَائِیْ نِیرَانِکُمْ یعنی بدوستی که خدای
 تعالی را فرشته ایست که ندا میکند در وقت هر نمازی که ای مردمان
 برخیزید بجا آورید نشانده و کشنده آتش دوزخ را یعنی نماز را دیگر حضرت
 رسول فرموده الصَّلَاةُ فِی أَوَّلِ وَقْتِهَا رِضْوَانٌ وَفِی آخِرِهَا غُفْرَانٌ یعنی نماز
 در اول وقت گذاردن خوشنودی خدا و تعالی باشد و در آخر وقت آمرزش
 خداوند دیگر حضرت رسول فرموده حدیثی که معنی آن بفارسی چنین است که
 هر که چهل بار نماز را با جماعت گذارد اگر عالم دشمن او شوند بروی طغفر
 نیابند و هر که چهل بار در مسجد را اول باز کند ثواب پیغمبر و چهل هزار فرشته را
 دریافتد و هر گاه که پیش از آن کرده باشد خدا تعالی با مرزد و همه حاجات او را بر
 آورد و نیز حضرت رسول فرموده حدیثی که معنی آن بفارسی اینست که پنج وقت
 نماز مثل جو آب است که در خانه هر یک از شماها برود و در هر روز پنج بار غسل کند دیگر
 چرکی در بدن او نماند بدوستی که پنج نماز پاک کرد اند او را از گناه و این در وقتی است
 که نماز را با آداب تمام بجا آورده و قرائت و رکوع و سجود و طهائرها را صحیح باشد
 دیگر حضرت رسول فرموده حدیثی که معنی آن بفارسی اینست که نماز کننده با خدا سخن
 میگوید و می شنود و نیز حضرت رسول فرموده که نشانه ایمان نماز است قوله تعالی إِنَّ
 الْحَسَنَاتِ بِذَٰلِکَ مِثْرُ الثَّیِّبَاتِ ذَٰلِکَ ذِکْرُنِی لِلَّذِیْکَرِیْنَ یعنی نیکوئیها ببرد بدیهار و این
 موعظه پند است که اگر کسی کند نماز و مراد از نیکوئیها نماز است دیگر انحضرت فرموده

قوله تعالى ان الله لا يضيع اجر المحسنين یعنی بد رستی که خدای تعالی ضایع نکند
 ثواب فرد نماز گذاران و نیز آنحضرت صلی الله علیه و آله نور و منور یعنی نماز نور است
 و روشن کننده دلست و نماز آنس که رفتن بنده است با حضرت رب العزّه و چون یاد
 حق بردل و جان مکرر میشود معرفت بخدا زیاد میشود و عقل و ایمان بردل و جان او
 سخت میگردد و نماز را فضیلت بسیار است وقت بود که با خضوع و خشوع و حضور دل
 بگذارد و رکوع و سجود را تمام بجا آورد زیرا که خدا تعالی میفرماید قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ
 الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ یعنی بد رستیکه رستگاری باشد کسانی که نماز گذاران
 و ندانند که در راستی چیست و بپایان رسوله فرموده لا صلوة الا
 بحضور القلب یعنی نماز فضیلتی مگر با حضور قلب و نیز آنحضرت فرموده نسبت بعضی
 نماز گذاران در معنی این شریفه قَوْلُ الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ یعنی
 وای مرد نماز کنندگان را که ایشانرا دل در نماز نبود و بعضی گفته اند که و بل چاهی است
 در قعر دوزخ و در اینجا مار پیست که دوزخ بان عقوبت و شبانه روز چند بار بخدا
 پناه و زینهار خواهد از کند همانان مار گفتند یا رسول الله ان بما کلام طایفه است
 فرمود ان جای کسانیست که نماز بگذارند و با حضور دل نباشند دیگر حضرت رسول
 فرمود الْمُصَلِّينَ سَاجِدِينَ رَبِّهِ یعنی هر که نماز بحضور دل گذارد چنین است که با خدا بتجا
 پنهان سخن میگوید و جواب بیشتر زیرا که رستگاری یافتند مؤمنان ان کسانیست که در نماز
 فروتنی نمایند ابن عباس گوید که خشوع در نماز است میباید که نماز کننده نداند که
 در راه و چپ او که ایستاده است دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده قوله
 تَعَالَى أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرٍ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ یعنی برپا دار نماز را از برای یاد کردن
 من و مباش از غافلان و نیز فرمود لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا

۱۹ در بیان عذاب تارک الصلوة

ما تقولون یعنی نزدیک نماز نشوید در حالی که مست باشید تا آنکه بدانید که چه
 میگوئید و چه میخواهید زیرا که نماز مناجات است که با خدا میکنید با غفلت دل
 چگونه باشد و باید دانست که سبب پراکندگی دل در نماز از غلبه شهوات
 مختلفه است که بنیاد هر نقصان و منعی همه فسادها است هر که دل بدینا
 خرم کرد از لذت مناجاة محروم گشت دیگر حضرت رسول فرموده حدیثی
 که معنی آن بفارسی اینست که تمام کنید رکوع و سجود و خضوع و خشوع را در
 نماز بد رستی که من به بنیم از پس پشت شما چنانکه می بینم از پیش شما دیگر حضرت
 رسول صلی الله علیه و سلم حدیثی فرموده که معنی آن حدیث بفارسی این است
 که بدترین مردم زردان باشند آن دزد بکه از نماز چیزی بدزد یعنی رکوع و سجود
 آنرا تمام بخانی آورد و دیگر ابن عباس گفت که دو رکعت نماز با تفکر گذاردن بهتر است
 از شبی که ناصح در نماز باشد فی الجمله باید مصلی هر روز که براید صفات اندون
 و افعال بیرون او متغیر و متبدل شود و مناهی و ملاهی دل او سرد گردد و نشاط
 در عبادت او بفرایند چنانکه خدای تعالی فرموده إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ
 وَالْمُنْكَرِ یعنی بد رستی که باز میدارد نماز مردم را از ناسزا و ناپسندیده و نزدیک
 کند **فَصَلِّ رُقُوعَ رَبِّكَ عَذَابُ تَارِكِ الصَّلَاةِ** بخدا
 قوله تعالى يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قالوا الزَّيْنُكَ مِنَ
 الْمُصَلِّينَ یعنی سوال کنند مالکان دوزخ از گناهکاران که چه گناه کرده اید
 که شما را در دوزخ جای داده اند گویند بنویسیم از نماز گذاران و در
 جای دیگر فرماید **أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ**
يَلْقَوْنَ غِيًّا یعنی کسانی که ضایع کردند نماز را و متابعت نفس شهوات کردند زوینا

که ایشان را در غی اندازند و از این بابویه رضی روایت شده که غی و ادبیت رجتم بدان
 گرمی هیبت که اگر حق تعالی بفرماید روز خرابی که خوش بخورد و در آن ماریست که
 درازی می شصت سال راه است و بی سال پنهان است از آن روز که خدا بنوعالی
 او را فریده است و هفتاد و نه است و هرگز دهان نکشاید الا بگوشت بی نما
 و شراب بخورد دیگر در روایت صحیح آمده است که حضرت رسول فرمود و برادر من جبریل
 برای من وحی آورده بود و هنوز وحی را تمام نکرده بود که آوازی سخت با هیبت بر
 آمد در حال و نیک جبریل متعجب شد از وی سؤال کردم ای برادر این چه آوازی بود
 گفت یا محمد خدا بنوعالی در روز پنج هفتم چاهای فریده بود و سنک سیاد رواندا
 اند سپرده سال قبل از مرزبته چاه رسید انحضرت فرمود که از جبریل پرسید که آن
 جا کدام طایفه است گفت آن جایگاه بی نماز است دیگر حضرت رسول فرمود که چون
 روز قیامت شود بیرون آید از روز پنج که سران با سمان هفتم بود تا زمین و درها
 آواز مشرق تا مغرب باشد و دم او تا تحت الثری پس گویند و راجه میخواهی گویند
 پنج طایفه را میخواهم اول بی نماز از آدم مانع الزکوة را سوم خمر خواران را چهار
 را با خواران را پنجم کسانی که در مسجد حرفه نیاز دارند پس حضرت رسول فرمود
 بامر حق تعالی بر چند ایشان را از دستگاه عرشا چنانکه کبوتر کجند را بر چند بدست

اندر این خانه کرمسانی

چون درانی بجز نماز مکن

جایگاه تو نیست خانه حق

فصله بر خوشتن دراز مکن

دیگر حضرت رسول فرمود حدیثی که مضمونش اینست هر که نماز را ترک کند نخواهد
 خدا بنوعالی او را بپایان زده عفویت مبتلا کند از اند شش در زمان حبوسه نزد یک فاش
 و سه قبر و سه روز قیامت تا آن شش که در حیو بود اول آنکه حیا از او رود دوم

۲۱ عَقَاتَارِکُ الصَّلَاةِ

برکت از عمر او برود سوم مالش زبان شو چهارم آنکه خدا بیغالی هیچ خیرات و را قبول نکند پنجم دعای او را با جابت نرساند ششم او را از دعا صالحان بی نصیب کند اما آن سه که نزد پاک فات بود اول سکران مرگ را برو سخت گرداند دوم کسره وفات کند اگر چه تمام طعامهای دنیا را بخلق او بریزند سهر نشود سوم آنکه تشکی او کم نشود و بان تشکی وفات کند و اما آن سه چیز که در قبر بود اول آنکه قبر بزرگ و ناریک بود ناریک و زقیامت دوم آنکه سوال نکیرین برود شوار باشد سوم آنکه با درد و غم بود و عذاب قبر با او باشد ناریک و زقیامت اما آن سه که در روز قیامت بگردد اول حساب دادن برو سخت بود دوم آنکه خدا بیغالی دشمن او شود سوم آنکه خدا بیغالی برو نظر نکند و او را چهار دست پا بود چنانکه در عرش شاهمه خلایق بد و نگرند و بعد از آن او را بد زخ بربند **شعر** و امش مده آنکه بی نماز است و رخود دهندش ز فافه باز است **کوثر** عرض خدا نمی گذارد از قرض تو نیز غم بندارد و نیز رسول اکرم فرموده من تبتم فی وجه ناریک الصلوة فکأثمأ هدم البیت المعمور سبع مرآت و قتل ألف ملک من الملائکة المقربین و انبیاءه المرسلین یعنی ^{که} بخند برو بی نماز چنان بود که خراب کرده باشد بیت المعمور را هفت مرتبه چنان بود که هزار فرشته هرا پیغمبر از فرشتگان مقرب پیغمبران مرسل را کشته باشد دیگر حضرت رسول فرمود لا ایمان لمن لا صلوة له یعنی ایمان ندارد کسی که بی نماز و ناریک الصلوة باشد دیگر فرمود من اخق سبعین مضحفا و قتل سبعین نبیا و زنا مع امة سبعین مرة و اقتض سبعین بکرا بطریق الزنا فهو اقرب الی رحمة الله من ناریک الصلوة معیدا یعنی هر که هفتاد قرآن بسوزاند و هفتاد پیغمبر را بکشد و هفتاد بار با ماد و خورنا کند

کَمَمَّتْ دَسْتِ تَارِکِ الصَّلَاةِ ۲۲

و بکارت هفتاد دختر را برنا برده باشد نزدیک تراست برحمت خدا از کسی که نماز را ترک کند دیگر حضرت رسول فرموده لا فرق بین تارک الصلوة و المصلین یعنی علم یعنی فرق نیست میان تارک الصلوة و کسی که نماز را صحیح نمیکرد و نیز حضرت رسول فرمود من اعان تارک الصلوة بلغمه او کسوة فکانتما قتل سبعین نبیا و لهم ادم و اخرهم محمد یعنی هر که باری کند پند نماز را بیک لغمه یا بیک پوشاک چنان بود که هفتاد پیغمبر کشته باشد اول آنها ادم و اخر آنها محمد باشد - شعر

بی نمازی بد تراست صد بار از مرد کشته	در شرعیست اجب اندکشن هر بی نما
بی نماز و بیست این هر داند و خند	دُم سک هب تو از دیش مرد بی نماز
گر نگذاری نماز و روز و شب را نان به	جای تو باشد جهنم گر تو باشی بی نماز

دیگر حضرت رسول فرمود لکل شیء افة و افة الدین ترک الصلوة یعنی هر چیز برافتنی است و افة بن ترک نماز است و نیز انجناب فرمود لکل شیء علاوة الايمان الصلوة یعنی هر چیز برانسانه برون نشانه ایمان نماز است دیگر حضرت رسول فرمود من ترک الصلوة منعدا فقد کفر یعنی هر که نماز را ترک کند بعد ترکش اجازد اند بجهنم کافر شده دیگر حضرت رسول فرمود العهد بین المؤمنین الصلوة فمن ترکها فقد کفر یعنی عهد نامه بین مؤمنین نماز است هر که ترک کند کافر است مکن قصد ترک نماز ای پسر

که کافر شو از جهودان بر دیگر حضرت رسول فرموده من اخر الصلوة عن فمها او ترکها حقیب علی الصراط ثمانون حقیبا کل حقیب ثلثمائة و ستون يوم ما کل يوم کعمر الدنيا من اولها الى اخرها یعنی هر که نماز را در وقتش نگذارد یا ترک کند بازدارد او را بر صراط هفتاد حقیب هر حقیب سیصد شصت و زبده هر روزان چون عمر دنیا باشد دیگر حضرت رسول فرمود من ترک الصلوة عمدا بقى في النار ثمانین حقیبا یعنی هر که دانست

نماز را ترك كند هشتاد حقه رد و زخ بماند كه شش هزار و چهار صد سال با
 و ديگر فرموده اِنَّ تَارِكَ الصَّلَاةِ لَا يَجِدُ رَجَ الْجَنَّةِ بد رسي كه ببنماز بويست
 نميشود ديگر فرموده الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ مَنْ صَلَّاهَا فَقَدِ افَامَ الدِّينَ وَمَنْ تَرَكَهَا
فَقَدَ هَدَمَ الدِّينَ يعني نماز ستون دين است هر كس نماز گذارد بتحقيق كه بيا كرده
 است دين را و كسي كه ترك كند نماز را بتحقيق كه خراب كرده است دين را شعر

اگر تو برداري نماز خود بپاي	دين خود را داشته باشي فائز بجاي
زانكه دينت را ستون آمد نماز	خانه دين بپستون نبور واي

يعني نماز ستون دين بويست هر كه نماز نكند كوياد دين را خراب كرده است و بنيز
 انجناب فرموده است حديثي كه معني ان بفارسي اينست هر كه نماز با مدام بگذارد
 من كه محكم او را مدد ميكنم و بهشت با خود ميبرم و هر كه نماز ظهر را بگذارد علي مرتضى
 او را بهشت ميبرد و هر كه نماز عصر را بگذارد فاطمه او را بهشت ميبرد و هر كه نماز شام
 را بگذارد حضرت امام حسن او را بهشت ميبرد و هر كه نماز خفتن را بگذارد حضرت
 امام حسين او را بهشت ميبرد و خداي تعالى او را پيامرزد ديگر حضرت رسول فرموده

اَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْاِنْسَانُ الصَّلَاةَ فَاِنْ قُبِلَتْ قَبِلَ مَا سِوَاهَا وَاِنْ رُدَّتْ
رُدَّتْ مَا سِوَاهَا يعني اول چيزي كه در قيامت حساب نرا خواهند نماز است پس اگر قبول
 شود ساير اعمال انسان نيز قبول ميشود و اگر رد شود ساير اعمال نيز رد شود پس معلوم
 شد كه هيچ عبادت عمل خيري بدون نماز در نزد حق تعالي مقبول نيست نظم

روز محشر كه جان گذاز بود	اولين پُرسش از نماز بود
پس مكن در نماز خود نقصي	تا در آن روز باشدت ثوابي

و بنيز حضرت رسول فرموده هر كه نماز با مدام را ترك كند بيزارشو از اوقريان هر كه نماز

عقازنیکر نماز خفین گذارن - ۲۴

پیشین را ترک کند نیز ارشوند از او پیغمبران و هر که نماز پسین را ترک کند نیز ارشود
از او حق تعالی حکایت آورده اند که در روزگار ما ضعیف بکزن وفات کرد جماعت
رفتند تا آنرا دفن کنند دیدند مار به بر سینه آن زن خفته و سر در دهان او برده
و زبان آن زن را در دهان گرفته عذاب سخت میکرد رفتند که آن مار را بکشند بقدش
خدای شریفان آمد و گفت بحق ان خدا بی که جان من در قبضه قدرت او است مرا افریده
است که این ترا عذاب کنم هم در قبر و هم در روز و زخم مردم گفتند چه گناه کرده است
اینهمه عذاب برای ترک کردن بکما از خفین است نیز آورده اند کسی پیش حضرت رسول
آمد و گفت یا رسول الله هر سال بکزمین بکاشتمی و مرا نان بسال تمام بود اما سال
شما است که تمام شده است حضرت فرمود که در خانه ات بپنمازهت گفت یا رسول
الله هیچکس نیست که در خانه من بپنمازهت در حال جبرئیل نازل شد گفت یا رسول الله
خداوند عالم میفرماید دندان بپنمازهت در بام خانه او انداخته اند ما دامیکه آن دندان
بر بام خانه اوست برکت در خانه او نباشد حکایت آوردند که روزی طرف عصر
سلمان در کار دریا گذر کرد ماهیان دریا نزد سلمان آمدند و گفتند یا نبی الله
خدای شریف در دریا میمانی انداخته است ماهیان دریا هر چند میخورند بهر
نمیشوند جبرئیل آمد و گفت یا رسول الله شخصی نماز صبح نکرده بود بر لب دریا گذر
کرد و چهل شبانه روز است که خدا بی تعالی برکت را از این دریا و ایشان برداشته

﴿است از شومی آن بی نماز﴾

﴿بَابُ سَمْرِ دَرْبِ سَلَامٍ فِي الْفَوَائِدِ الْبَرَكَةِ﴾

قال الله تعالى ولا تخبن الذين يتخلون بما آتاهم الله من فضله هو خير لهم بل هو
شر لهم سيئون ما يتخلون به يوم القيمة يعني نيندارند يا محمد انها براكه بخل

میکنند و زکوة مال را نمیدهند آنچه خداوند از فضل خود بدیشان داده ایشان
 را خیر است و نیکی ایشان در آنست بلکه بد ایشان و عقوبت ایشان در آنست و بدشان
 که میگویند انما الامار و در گردن ایشان اندازد و روز قیامت قوله تعالى الذين
 يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
 يَوْمَ يُخْرِجُنَا عَنْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وظهورهم هذا
 ما كنزتم لانفسكم فذوقوا ما كنتم تكمنون یعنی چنان است اگر کسانی که مخفی
 میکنند زر و نقره را و نفقه نمیکند در راه خدا یعنی زکوة انما را نمیدهند
 بشارت باد ایشان را عذاب دردناک که در روز قیامت گرم گردانند از زر و نقره در
 آتش و زخ و داغ کنند بان پیشانی و جبین ها ایشان را و پشتها ایشان را اینست
 چیزی که کنز نموده بودند برای خودشان در دنیا و زکوة از آن داده بودند در دنیا
 حضرت رسول فرمود حدیثی که معنی آن بفارسی اینست که هر که را خدا تعالی مال بدهد
 و زکوة ندهد در روز قیامت انما الامار مثل ماری بزرگ و سیاه و سفید گردانند
 و در گردن او اندازند چون طوق و آن مار بگرد اطراف همان او را و بگوید با و من
 مال و گنج نهانی توام که در دنیا زکوة از آن دادی دیگر حضرت رسول اکرم صلی الله
 علیه و آله فرمود الزکوة قطرة الاسلام یعنی زکوة یل مسلمان بود یعنی هر که زکوة
 مال ندهد بشهر اسلام نتواند آمدن و نیز حضرت رسول فرمود لا یقبل الله صلوة
 رجل لا یؤدی حق ماله یعنی قبول نمیکند خداوند نماز مردی را که زکوة مال خود
 راند و نیز حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده لا ایمان لمن لا
 صلوة له ولا صلوة لمن لا زکوة له یعنی هر که را نماز نباشد ایمان نباشد و هر که
 را زکوة ندهد نماز نباشد دیگر حضرت رسول فرمود لا یفقر مال من زکوة یعنی کسی که زکوة

کتاب عفا مانع الزکوة

۲۶

مال بدادن زکوة و خمس بدیت اگر مال داری زکوتش بدی یکی کنج در آخر هم بنه
که هرگز نکرده از آن مال کم بفرزادیت باغ و بستان و ده

و نیز حضرت رسول فرموده ما هلك مال في بر ولا بخر الا بمنع الزکوة یعنی تلف
نشود مالی نه در بیابان نه در دریا مگر بمنع کردن زکوة دیگر انجناب فرمود حصوا
اموالکم بالزکوة و داو و امراضا کم بالصّدقة یعنی حفظ کنید اموال خود را بدادن
(زکوة و دوا کنید بیمار از خود را بدادن صدقه)

مال خواهی ای برادر بشمار	روز زکوتش را در آورد در حصا
نه بردد و نه نازا جش کند	در امان باشد بفضل کردگا

و دیگر جناب رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سلم فرموده در بیان مانع الزکوة
و فطره من صام و لم یخرج الفطرة فکما ثما لم یصم یعنی هر که روزه بگیرد و بیرون
نکند زکوة فطره را گویا که روزه نگرفته است دیگر حضرت رسول اکرم فرمودند ان
انما الصوم باعطاء الفطرة یعنی بد رستی که روزه شخص کامل نمیشود مگر بدادن فطره

زکوة سرت را بده ای عزیز	اگر هست میدت بختار نیز
که صوم تو مقبول باشد تمام	بقول گزین سبت با تمیز

و نیز انجناب فرموده صوم شهر رمضان معلق بین السماء و الارض لا یرفع الا بزکوة
الفطرة یعنی تحقیق روزه ماه رمضان او بخته است بین آسمان و زمین و بالا نرود
مگر بدادن زکوة فطره کافی قوله تعالی فذلک من تزکی ای من اخرج زکوة الفطرة
یعنی تحقیق رستگاری یافت آن کسی که زکوة فطره را بیرون کرد و هر که روزه بگیرد
رستگاری نباید نابردن نکند زکوة فطره را و بمستی او نرساند تا زکوة بدن است
باب چهارم در بیان اخوان و اخوات و اهل بیت و اولاد

و این باب مبنی بود بر سه فصل فصل اول در بیان احوال شرابخواران
 خدا بنوعالی در کلام مجید میفرماید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ
وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ یعنی ای کسانی که
 ایمان آوردید بدو رسنی که شراب قمار و انصاف ازلام پلید و حرام است از عمل
 شیطانست پرهیزید شاید رستگاری بیابید و باید دانست که شرابخواران بعد
 از توبه پرهیز و خطر باشد که هنوز هم عذاب باشد *

و نیز جناب سول^ص فرمود شارب الخمر كعابد الوثن یعنی شرابخوار مثل بت پرست
 بود و نیز انجناب فرموده مَا مِنْ رَجُلٍ شَرِبَ الْخَمْرَ إِلَّا سَقَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مِنَ الْحَمِيمِ
 یعنی نیست شرابخواری مگر آنکه بپاشاند خدا بنوعالی او را در روز قیامت از داب
 دوزخ مقدار آنچه خورده است از خمر و نیز انجناب فرموده الْخَمْرُ جَائِعٌ ^{است} الْأَثَرُ وَامُّ الْحَبَا
 یعنی خمر اصل همه گاهانست و مادر هر پیک است دیگر حضرت رسول^ص فرموده

لَعَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَغَاصِرُهَا وَمُعْتَصِرُهَا وَبَايَعُهَا وَمُشْرِطُهَا وَغَامِلُهَا وَحَامِلُهَا وَالْمَحْمُولُ
فِيهَا وَآكِلُ ثَمَرِهَا صد و رسول الله^ص یعنی خدا لعنت کند خمر را و فشار دهنده آن را و فرو
 آنرا و خریدار آنرا و سازنده آنرا و بردارنده آنرا و ظرف آنرا و خورنده بهای آنرا جمله را خدا
 لعنت کرده است و همدانها بلعنت خدا گرفتارند نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ غَضَبِ الْجَبَّارِ فَإِنَّ

النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلَهُ مَنْ أَطْعَمَ شَارِبَ الْخَمْرِ بِلِقْمَةٍ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ حَيَاتٍ وَ
عَقَارِبَ وَمَنْ سَقَاهُ بِشْرَبَةٍ أَطْعَمَ اللَّهُ مِنْ صَدِيدِ جَهَنَّمَ یعنی هر که یک لقمه
 طعام دهد شرابخوار را مسلط سازد بر وی خدا بنوعالی ماران و کژدمان
 و هر که ابی بنوشاند شراب خوار را خدا بنوعالی از درد آب جهنم بنوشاند و را
 قال النبي^ص صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَلَّمَ عَلَى شَارِبِ الْخَمْرِ أَوْ صَاحِبِهِ

عَنْقَدَ أَخْبَطَ اللَّهُ تَعَالَى عَمَلَهُ سَبْعِينَ سَنَةً بِعَنَى هَرَكَةٍ سَلَامٍ دَهْدٍ بِشَرِّ الْخَوَارِ
يَادِئْتِ بَدِئْتِ وَبَدِئْتِ يَادِئْتِ بِكَرْدِنِ وَدِرَاوَرْدِ نَبَاهِ كُنْدِ خَدَا بِتَعَالَى عَمَلِ
هَفْئَادِ سَالَةِ اَوْرَاوَنَزِ حَضْرَتِ رَسُولِ فَرْمُودَةِ حَدِيثِي كِهْ مَعْنَى اِنْجِدِثِ اِيْنِسْتِ هَرَكَةٍ
دِرْ شَبِّ خَمْرِ خُورْدِ نَظَرِ نَكَنْدِ خَدَا بِتَعَالَى بَا وَنَاشَبِ بِكَرْدِ هَرَكَةٍ مَتِ شُودِ قَبُولِ كُنْدِ
خَدَا بِتَعَالَى نَمَازِ اَوْرَا اِجْمَلِ شَبَانِهْ رُوزِ اَكْرَدِ رَمْنِي وَفَا كُنْدِ چُونِ بُتِ پَرِسْتَانِ
مَرْدِهْ بَاشَدِ قَالَ النَّبِيُّ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ لَا يَجْلِسُ عَلَى مَائِدَةٍ يَدُرُّ
عَلَيْهَا الْخَمْرُ بِعَنَى هَرَكِي خَدَا وَرُوزِ پِيْنِ اِيْمَانِ اَوْرْدِهْ بَاشَدِ نَنَشِيْنْدِ بِرِ سِرْ خَوَانِي
كِهْ دِرَانِ خَمْرِ بَاشَدِ دِيْكَرِ حَضْرَتِ رَسُولِ فَرْمُودَةِ حَدِيثِي كِهْ مَعْنَى اِنْ اِيْنِسْتِ
كِهْ دِرْدِ وَزَخِ وَاْدِي اِسْتِ بَدَانِ كَرِي وَهَبِيْتِ هَرِ رُوزِ هَفْئَادِ هَزَارِ بَارِ اَهْلِ
دِوَزَخِ اَزْ كَرِي اَوْ بِيْضِ اِيْنْدِ وِيْنَالِنْدِ وِدِرَانِ وَاْدِي خَانِهْ اِيْنِسْتِ زَاتِشِ وِدِرَانِ
خَانِهْ نَابُوتِي اِسْتِ زَاتِشِ وِدِرَانِ نَابُوتِ مَارِ اِيْنِسْتِ زَاتِشِ كِهْ اَوْرَا هَزَارِ سَرِ بَاشَدِ
وِدِرْ هَرِ سَرِ هَزَارِ دِهَانِ دِرْ هَرِ دِهَانِ هَزَارِ دِنْدَانِ وَفَدِرْ هَرِ دِنْدَانِ هَزَارِ كِرْدِ
بِنِ هَرِ دِنْدَانِ هَزَارِ كُونِهْ زَهْرِ بَاشَدِ اَصْحَابِ عَرَضِ كِرْدِنْدِ يَا رَسُوْلَ اللهِ اِنْ عَذَابِ
بِرَايِ كِدَامِ طَائِفَهْ اِسْتِ فَرْمُودِ اَزْ بِرَايِ خَمْرِ خَوَارِ اِنْ دِيْكَرِ اِنْحَضْرَتِ فَرْمُودِنْدِ
حَدِيثِي كِهْ مَضْمُونِشِ بِفَارِسِي اِيْنِسْتِ هَرَكَةٍ طَعَامِ دَهْدِ شَرَابِ خَوَارِ رَا بِلِكِ لَقْمِهْ
مُطْلَطِ سَاَزِدِ خَدَا بِتَعَالَى بِرَا وِمَارِي كَشْدِي وَهَرَكَةٍ اَوْرَا يَارِي كُنْدِ وَحَاجَتِ اَوْرَا
بِرَا وِدِ چِنَانِ بَاشَدِ كِهْ يَارِ بِرْ خَرَابِي اِسْلَامِ كَرْدِهْ بَاشَدِ هَرَكَةٍ اَوْرَا فَرَضِ دَهْدِ چِنَانِ
بَاشَدِ كِهْ يَارِي كَرْدِهْ اِسْتِ بِرْ قَتْلِ مُؤْمِنَانِ وَهَرَكَةٍ دَخْرِ خُورَا بِرْ خَمْرِ خَوَارِ دَهْدِ اَوْنَزِدِ
كَاهِ شَرِيكِ اِسْتِ وَاَكْرِ بِمَارِ شُودِ بَعِيَادَتِ وَنَزُوْدِ وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ لِي اللهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
الشَّيْطَانُ الشُّكْرَانِ وَالتَّائِبَةُ بِعَنَى مَتِ شُودِنْدِ وَنُوحِهْ كِرْدِ عَرُوسِ شَيْطَانِ بَاشَدِ

شمر و تنک باد ان شخص را که با وجود پیرایه عقل مفعول و از زنان دیومبیا شدند نیز
 انجناب فرمود حدیثی که مضمونش اینست که خمر خوار در روز قیامت رو سیاه و از
 چشم بود و از دهانش خون و زیم روان باشد چنانکه اهل عرصات از کند و بوی او
 بفریاد آیند پس جناب سول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند سلام بر شرابخواران
 ندهید و چون بیمار شوند بعیادت آنها نروید و چون بمیرند بجنازه آنها نماز نکنید
 و خمر خوار چون بت پرست بود و نیز در روایت صحیح آمده است که روز جمعی صحابه
 از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام سوال کردند یا علی چه اندازه باید از خمر برهنه کرد ان
 جناب فرمودند ای مؤمنان اگر چنانچه یک قطره خمر بچاهی افتد و ان چاه را پر از
 خال کنند و هزار سال بر او بگذرد و بعد از ان بر سر انچاه علف روید ان علف را
 گوسفند بخورد و در میان رمة گوسفند برود من گوشت ان کله را نمخورم و اگر
 یک قطارش بود اول ان در مشرق و اخر ان در مغرب باشد باریسین شرها خمر
 بود مهارش را اول را بدست بگیرم قال النبی من شرب الخمر فی الدنیا لم یشرب فی الاخرة
 من ماء الکوتر الا من مات علی التوبة یعنی هر که بخورد خمر را در دنیا نخورد
 در اخرت از آب کوثر مگر توبه کند و با ان توبه وفات یابد **نظم**

مخورد خمر کور ایلبد آمده	بدیها هم که زوید پید آمده
که هر کس بد دنیا خورد خمر شو	ز کوثر دودستش هلی آمده
مگر انکه توبه کند چون نضوج	بدان توبه میرد سعید آمده

دیگر حضرت رسول ص فرموده که مصادقه الیهود خبر من مصادقه شارب الخمر
 (یعنی با یهود دوستی کردن بهتراست از دوستی کردن با شراب خواران)

﴿فصل در بیان مذمت بیج و اهکانت﴾

کتاب مذقبت و نما و شطرنج

۳۰

قال النبي صلى الله عليه وآله من أكل لقمة من البنج كمن زنا بأمة سبعين مرة ومن زنا بأمة مرة واحدة فكأنما هدم الكعبة سبعين مرة وقتل سبعين نبيا مرسلًا وأحرق سبعين مصحفًا ورعى إلى وجهه سبعين حجرًا وهو أقرب إلى رحمة الله من ثارب الخمر وأكل الزنا والتمائم وعنه عليه السلام من أكل لقمة من البنج حشره الله تعالى يوم القيامة على صورة الكلب قال الخنزير يعني هر که يك لقمه از بنك بخورد چنان باشد كه هفتاد بار با ماد خود زنا كرده و هر كه با ماد خود يك بار زنا كند چنان باشد كه خانه كعبه را هفتاد بار خراب كرده باشد و هفتاد نبی مرسل را بقتل آورده باشد و هفتاد مصحف را سوخته و چنين شخصي بر خدا نژد بگراست از شخصي كه شراب بخورد و با خوار و نمايي كند قال النبي من أكل البنج ومات على هذا يحشر يوم القيامة مكروباً بين جبينيه هذا ملعون بعيد من رحمة الله يعني هر كه بنك بخورد و در انحال بميرد بر انگيزانند او را در قيامت و نوشته شده باشد در پيشاني او كه اين شخص ملعون و از رحمت خدا دور است و بعضي از مفسرين گفته اند شجرة ملعونه كه خدا بعالی در كلام مجيد خود ياد كرده بنك است و ديگر انجناب فرموده حديثي كه مضمونش اينست كه پرهيز باز گياه خشك كه از بنج است بدست كه حيارا بر طرف كند از چشم مردمان ايمان را بربايد در وقت مرك شجر

پرهيز از بنك كوشد چرا حيارا را بايد چيمنت تمام هفتاد دفعه بر ابر شو نماز زنا كردن بنكنا

فصل سيم در بنك مذقت و نما و شطرنج و نركه
قال النبي من لعب بالنرد والشطرنج فكأنما غمر يده في دم الخنزير يعني هر كه نرد و شطرنج باز د چنان باشد كه دست خود را بخون خوك الوده كرده و نيز انجناب فرمود ما هنكم عن ذكر الله فهو حرام يعني هر چيز بگه شما را از ذكر خدا غافل

بُيِّنَاتُ كَرِّ صِفَتِ بَهْشْتِ دَرَجَتِ

سازد پس آن حرامست مثل قمار و نرد و شطرنج که اینها افعال حرام است و نیز اینها
 فرمود لا یَدْخُلُ الْمَلَأُئِکَةُ بَنَیْنًا فِیْهِ خُمْرٌ اَوْ دَفْتُ اَوْ نَرْدٌ اَوْ شَطْرَنْجٌ وَلَا یَسْتَجَابُ عَمَّا
 اَهْلِهِ وَ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْبَرَکَةَ بِعَنِّی در نمایند فرشتگان بخانه که در آن خمر یا دَف
 یا طنبور یا نرد یا شطرنج باشد و مستجاب نشود دعاى اهل آن خانه و بردار خدا
 تعالى برکت را از ایشان شعر شطرنج و قمار و نرد کار شیطان مبدان و همین
 بقول بزدان زیرا که حرامست و بلبداست و بداست و ذکر خدای باز دارد ^{بدان}

بَابُ بَيِّنَاتٍ رُبَّنَا كَرِّ صِفَتِ بَهْشْتِ دَرَجَتِ

و اهل آن و این مبنی بود برد و فصل فصل اول در بیان صفت بهشت و
 اهل آن چنانکه خدا تعالی در کلام مجید خود فرموده مُتَّكِئِينَ عَلَی الْأَرَْائِکِ لَا یَرَوْنَ
 فِیْهَا شَمْسًا وَلَا زَیْفًا بِرَّ اِیعْنِی اهل بهشت تکیه کرده باشند نه بپندگرمی افتاب
 نه سرمای سخت حضرت رسول فرموده که هر که در ابد بهشت دائم زنده باشد و
 نمرد و در نعمتی باشد که هرگز آخر نشود و جانها و گنه نشود و هرگز پیر نگردد
 صحابه عرض کردند یا رسول الله خدا تعالی بنای بهشت از چه چیز نهاده فرمود یک
 خشت آن از در سرخ و یک خشت آن از نقره سمید و ملاط و از مشک خوش بو
 بود و خالک او از زعفران باشد و در یک آن از لؤلؤ و یاقوت بود و نیز حضرت رسول
 فرمود حدیثی که معنی آن بفارسی اینست که اهل بهشت میخورند میاشامند ایشان
 را بول و غایط و آب همان و بینی نباشد و عرفا ایشان بیرون میابد خوشبو تر از
 مشک و غیر و نیز حضرت رسول حدیثی فرموده که معنایش اینست که در شب معراج
 کوشکی را دیدم از یاقوت سرخ و او را چهار رکن بود از هر رکنی ناری چندان بود که از شرق
 تا بمغرب پیشتر آمد چهار جوی دیدم از آب خوش مزه یکی از عسل مصفی و یکی از شارب

بَيْتُكَ صِفَتِ دُرُوزِ

۳۲

طهور و یکی از شیر در آنجا دید درختهای بسیار بر فلک کشیده پنج آن درختها از
 زرد سرخ و برگها از حله های بهشت بود در هر برگی نوشته شده لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ
 رَسُولُ اللَّهِ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ قَوْلُهُ تَعَالَى مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ
 مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ
 مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ بَعْنِي بهشت جای
 پرهیزکاران بود که وعده کرده شده بایشان که در آنها جویها باشد از آب که متغیر
 نشود و جویها باشد از خمر که مزه دهد خورنده گانرا و جویها باشد از عسل صاف شده
 و برای ایشان باشد هر گونه میوه ها و امرزش از پروردگار خود بیکت *

جَنَّةُ الْفَرُوسِ رَادَانِ اِی لَیْرَ	حق تعالی افریده از دور
قصرها از لعل و یا قوتست در	خاک او باشد ز عنبر و از گهر
از برای مؤمنان منقحی را سینه	اینچنین آمد قول سید خیر البشر

* فَصْلُ دُرُوزِ صِفَتِ دُرُوزِ وَاهْلَانِ *

چنانکه خدا تعالی در کلام مجید میفرماید إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا
 سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهَامْ جَزَاءٌ مَقْسُومٌ یعنی بد رستی که دوزخ مقام کافران
 است که آنها همه در آنجا جمع شوند و آنرا هفت راست از هر دری هفتاد و سه
 پرده است از آتش و در هر سزار پده اش هزار گنبد است از آتش و در هر گنبد هفتاد
 هزار شهر است از آتش و در هر شهر هفتاد هزار حجره است از آتش و در هر حجره
 اش صد هزار صندوق است از آتش و در هر صندوق هفتاد هزار کزدم است از آتش
 و هر کزدمی را هفتاد هزار دم است از آتش و هر دم را هفتاد هزار بند است از آتش
 و هر بند هفتاد سبواست از آتش و هر سبواست از آتش و هر سبواست از آتش و هر سبواست از آتش

و آن فرشتگان را دوش نا دیکر یا پند سال است که حق تعالی بقدرت خود افریده
 که آتش دوزخ را فروزند و در توره موسی آورده اند که خدا ی تعالی فرمود با موسی
 دوزخ را هفت طبقه افریده ام و در هر طبقه هفتاد هزار وادیست از آتش و در هر وادی
 هفتاد هزار گوشک است از آتش و در هر گوشکی هفتاد هزار خانه است از آتش و در
 خانه هفتاد هزار تابوت است از آتش هینانی و درازی هر تابوت هفت برابر دنیا
 است و در هر تابوت هفتاد هزار مار است هر ماری در بزرگی مثل کوه طور است
 با موسی همه مشرکان و بخیلان و ربا خواران و سخن چیان را جمع گردانم و در آن جا
 در آورم و مسلط گردانم بر ایشان کثرت مان و ماران را تا بخورند و بکزند ایشان را تا بداند
 که گناه های من بر حق بوده و واعظان و سخنان شان بر حق بوده اند بار دیگر
 خدا ی تعالی خطاب کرد با موسی میخواهی که صفت دوزخ را برای تو بیان کنم موسی
 عرض کرد آری پروردگار من جواب امد ^{دوزخ} هفت طبقه افریده ام چنانکه اگر هفت
 اسمان را و زمین را در کوچترین طبقه او اندازم چنان باشد که انگشتر را بدایه
 محیط انداخته اند بار دیگر ندا کرد با موسی اگر مرا کنم یک شخص از دوزخ بیرون
 آید و در مشرق بایستد تمامی اهل مغرب از گرمی آتش او بمیرند و بسوزند با موسی
 حال از هزار یکش را تو بیان کردم و در روایت صحیح آمده که حضرت رسول ص فرمود
 که در شب معراج جبرئیل دوزخ را بمن عرض کرد آن فرشتگان را که مالک با آن دوزخ
 خوانند ایشان را با هیبت و ازرق چشم و هر یک کر زها در دست دارند از آتش
 اهل دوزخ را عذاب سخت میکردند قومی را دیدم که دلهای ایشان را داغ میکردند
 و چشمهای نرگسین ایشان را میکشیدند و بعضی از زنان را دیدم که ایشان را از موی
 او پنجه بودند و بعضی از بانهها از فکاشیده بودند و بعضی از غلههای ایشان

کردن نهاده بودند و در روایت صحیح آمده که حضرت رسول فرمود که در روز از برادر
جبرئیل پرسیدم احوال دوزخ را و جواب گفت یا محمد بن خدا نیکه تو را بر استی
خلق فرستاده اگر یکذره از آتش دوزخ در زمین افتد زمین و هر چه در او هست
سوزد و اگر از آن آبیکه از برای اهل دوزخ افریده شده بکفطره بر زمین بچکد جمله
طعامها و شرابها تلخ شود و اگر از جامه های دوزخیان یکی را از میان آسمان و
زمین بیاورند اهل مشرق و مغرب هم از کند و بوی آن بمیرند **نظم**

از برای کافر شوم و پلید

دوزخی پُر نار و سوزان افرید

اندر آن باشد عذاب بی شدد

هم برای کافران و عاصیان

بَابِ ششمی بَبْلِعْ بَعْضَ خَيْرِهَا نِيكَ خَدَا امْرُؤٌ قَوْلِي وَصَلِي

اول معرفت را واجب لازم کرد اینده کما قال تعالى وما خلقت الجن والانس الا

لَعِبْتُهُمْ وَنَاي لِعَرْفُونِ یعنی بنافزیدیم جن و انس را مگر برای آنکه بشناسند مرا اگر چه

کمال معرفت و حاصل نمیشود اما اعتبار از آثار و افاق و انفس باید گرفت چنانکه در

اکرمه فرموده تفکر وافی الاء الله ولا تفکر وافی ذال الله یعنی فکر کنید در قدرت

و بزرگی خدا و فکر نکنید در ذات خدا **نظم** ای عقل نبرده سوعرفان تو راه

علم همه را بر سرفکرث آگاه هر بنده بانقمام قهر تو ذلیل هر ذره بالثقات ذائب

آگاه و دیگر بصدیق نمودن بنیوت خضر خاتم الانبیاء چنانکه در کلام مجید فرموده

مَا اَنَا كُرَّ الرِّسُولُ فَخَذُوهُ وَمَا هُنَّكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا یعنی آنچه از حضرت رسول آید

پیرو کنید و آنچه ظنی فرموده ترك نمائید و اعتقاد بولا علی امامت ائمه هدی نمودن

و قبول کردن نیست دیگر با شیطان دشمنی کردن چنانکه در کلام مجید آمده ان الشیطان

لِلْانسان عدو مبین فاتخذوه عدوا ابدا و سنی که شیطان دشمن شما است پس دشمنی کنید

و دیگر حضرت رسول فرموده برای نماز وضو ساختن چنانکه در کلام مجید آمده يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا
بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ یعنی کسانی که ایمان آورده اید بخدا و رسول چون
بر خیزید برای نماز بشوید رو و دستها خود را از مرفق و مسح کنید سر و پاهای خود را تا
بکعب و دیگر غسل جنابت است که در قرآن مجید آمده إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
كِتَابًا مَوْقُوتًا بدینکه نماز گذاردن واجب است مؤمنان را در وقتها معین که بامداد
و بین عصر و شام و خفتن است و دیگر زکوة مال چنانکه در کلام مجید آمده أَقِيمُوا
الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ یعنی برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و دیگر اگر توانا شد زیارت
بیت الله الحرام را ترک نکنید چنانکه در کلام مجید آمده وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ
مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا یعنی خدا واجب کرده است بر مسلمانان زیارت بخا خود را
که مکه معظمه باشد پس از استطاعت مالی و بدنی و دیگر روز گرفتن در مقام مبارک مضا
چنانکه در کلام مجید فرمود يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ آیاتاً معدوداتی یعنی ای مؤمنین نوشته شده است
بر شما روزه چنانکه نوشته شده بود بر کسانی که پیش از شما بودند شاید پرهیزید
شما ها و دیگر جهاد کردند که در کلام مجید آمده فَاغْلُظُوا الشِّرْكَ كَيْفَ جَدْتُمْ
یعنی بکشید شرکان کافران را در هر جا که بیابید و در جاد دیگر آمده يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ
جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ یعنی ای پیغمبر جهاد کن با کفار و منافقین و دیگر راستگو
است چنانکه در کلام مجید آمده فَاذْكُرُوا أَنْفُسَكُمْ یعنی زمانیکه سخن گویند راست
بگویند کما قال النبي تَلِكُمْ بِالصِّدْقِ یعنی بر شما باد راستگویی و دیگر حشر پوشیدن
از نا محرمات چنانکه در کلام مجید آمده قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِنْ أَنْبَارِهِمْ

وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ بِعَنِ بَكْوَايِ بَغِيمٍ مَوْصَانًا زَا حِشْمٍ بِبُوشَانِ بِدَا زَنَا مُحْرَمَانِ حِفْظِ
 كُنْدِ عَوْرَتِهَا خُودِ رَا كَمَا قَالَ النَّبِيُّ زَنَا الْعُيُونِ النَّظَرِ إِلَى الْحَرَامِ بِعَنِ زَنَايِ حِشْمِ نَظَرِ
 كُودِنِ بِنَا مُحْرَمَانِ دِيكِرِ كُوشِ وَحِشْمِ وَدَلِ رَا سَوَالِ كُنْدِ كِهْ بِرَا چِزِ رَا كُوشِ دَا دِيكِرِ
 رِضَا خُودِ دَرَانِ بُودِ وَحِرَا اَنْدِيشَةُ بِدِ كُودِي دِيكِرِ حَلَالِ خُورْدَنِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى
 كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ بِعَنِ بُجُورِدِ زَحَلَالِ وَبَاكِ اِنْجِهْ رُوْرِدَا دِهَا بِمِ شَمَارَا وَنِيْ
 فَرْمُودِهْ طَلِبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةُ بِعَنِ طَلِبِ كُودِنِ زَحَلَالِ وَاجِبِ دِيكِرِ تَوَكُّلِ بِخُذَانُوْ
 اِسْتِ چنانكه فَرْمُودِ وَتَوَكُّلِ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ بِعَنِ تَوَكُّلِ بِنَا بِرُوْرِدَا كَارِكِنِ كِهْ مِيْ
 وَبِرُوْمِكِ رَوَانِ بِدِ كَا فِئْتِ بِرِهْمِ كَارِهَا دِهِنِ دِنِيَا دِيكِرِ رَا ضِي بُودَنِ بِقَضَا
 اِلٰهِي وَصَبْرِ كُودِنِ بِحَكْمِ اَوَا سْتِ چنانكه خُدا بِتَعَالَى فَرْمُودِ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ بِعَنِ صَبْرِ
 كِنِ بِحَكْمِ بِرُوْرِدَا رِخُوْدِ دِيكِرِ شُكْرِ نِعْمَتِ خُدا اِسْتِ چنانكه دِرِ كَلَامِ بِحَيِّدَا مَدْ كُلُوا
 مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بِعَنِ بُجُورِدِ رُوْرِدَا خُدايِ خُوْ وَشُكْرِ نِعْمَتِ اَوْ كُنْدِ دِيكِرِ
 مِيْ فَرْمَا بِدِ فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ اُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْحَدِيثِ الْقَدِيمِ
 مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِيْ وَلَمْ يَشْكُرْ عَلَيَّ نِعْمَاتِيْ وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَيَّ بَلَاءِيْ فَلَيْطَلِبْ رِغَابًا
 سِوَايِ بِعَنِ هَرِ كِهْ رَا ضِي نَبَا شُدِ بِقَضَايِ مِنْ وَصَا بِرِ نَبَا شُدِ بِرِ بَلَايِ مِنْ وَكُشَا
 نَبَا شُدِ بِرِ نِعْمَتَايِ مِنْ بِسْ طَلِبْ كُنْدِ بِرُوْرِدَا كَارِي غِيْرَا زَمِنْ وَبِيْرِنِ رُوْازِ زَمِيْنِ
 ﴿شِعْر﴾

انكه راضي نيست بر حكم و قضا	يا نباشد شكر او اندر رضا
بلكه صبرش نيست هنگام بلا	كو بجو پروردگاري جز خدا

و دِيكِرِ تَوْبِهْ كُودِنِ اِسْتِ چنانكه دِرِ كَلَامِ بِحَيِّدَا مَدِ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّاعِمَةً
 بِعَنِ تَوْبِهْ كُنْدِ بِسُوِيْ خُدا وَبَا زَكُودِ دَا زَمْعَصِيْثِ وَفَرْمَانِ اَوْرَا حَيَايِ اَوْرِيْدِ

کتاب العجیل فی النیات و عمل النیکو

چنانکه باز بسوگناه مروید مثل توبه نضوح کما قال النبی عجلوا بالصلاة قبل الموت
و عجلوا بالتوبة قبل الموت یعنی بشناسید نماز پیش از آنکه فوت شود و بشناسید
توبه پیش از آنکه بمیرید و دیگر کارها را به نیت خبر کردند چنانکه فرموده اند
الأعمال بالنیات یعنی عملها بنیت است بدیت اصل اعمال نیت نیکو است
نیت از خودداری آن نیکو است و دیگر طاعات و عبادات با خلاص است چنانچه
در کلام مجید آمده و ما أمرنا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء لله يعني
ما مورثه اند مگر آنکه بپرستند خدا یعنی را با خلاص تمام قال النبی علیکم
بالاخلاص فان العبد یجوب بالاخلاص بر شما باد در کارها اخلاص پس بدرسنی که
بند با اخلاص سنگاری باید شجر چنین گفت سید رسول من که اخلاص
اند عملها گزین که بند با اخلاص باید بجای چو باشد نگو محض را که دین
و دیگر امانت بصاحبت رسانیدن است کما قال الله تعالى ان الله یامرکم ان تؤدوا
الأمانات الی أهلها یعنی بدرسنی که حقیقتا فرموده که برسانید امانات را بصاحبانش
و دیگر برادران مؤمن برفق و مدارا زندگانی کردند چنانکه در کلام مجید آمده
انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخوتکم یعنی بدرسنی که مؤمنان برادر یکدیگرند
پس صلح کنند میان برادران خود و دیگر طلب کردن علم است چنانکه در اول کتاب
یاد کردیم و دیگر کارها بحجت کردند چنانکه در کلام مجید آمده قل لها نوابرها انکم
ان کتم صا دقین یعنی بگو با محرم بیاورد حجتها ی خود را اگر راستگو یانید یعنی
که باید فردا در روز قیامت سؤال خداوند را با حجت و صواب جواب گوید تا
از جمله راستگو یان باشد و دیگر امر معروف نهی از منکر است کما قال الله تعالى
وامر بالعرف انه عن المنکر یعنی امر نماید مردم را به نیکویی و عمل صالح و باز دارد

از معاصی و دیگر مرگ را آماده شدن و برحق دانستن کما قال الله تعالی قل
 بَتَّوَفَّكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي ذُكِّرْكُمْ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ یعنی بگو ای پیغمبر اکرم مردم که بمیرند شمارا
 ملک الموتی که بر شما موکل است شعر بجای از فرمان حق ای پسر
 اگر خوف آری ز نار سقر زمانی تو از حق غافل مشو که ناگه رسولش را بیدرد
 بار هفتم در باب بعضی از خیزه ها بیکر خدا نمی کرد در قوت
 و این باب مبنی بر دو فصل است **فصل اول** در شرع آوردن بخدا
 تعالی چنانکه فرموده وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ یعنی هر که شریک
 قرار دهد بخدا بد رستی که حرام کرده است خدا تعالی بر او هشتراود دیگر برسد
 از مرتد شدن قال الله تعالی وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ قِمَتٌ لَهُ مَا أَعْرَضَ عَنْهُ
 هر کس از شما همارند شو از دین خود برگردد چون بمیرد کافر مرده است جای او
 درد و زخمت و دیگر قتل ناحق گردنت کما قال الله تعالی يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید بخدا و
 رسول فصد کشن مکنید که حرام گردانیده خدا و را مگر بحق دیگر احتراز کردن از
 زنا است قوله تعالی وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا یعنی نزد
 نگردید بعمل زنا که نافرمانی بزرگست خدا و را و بجز مرتبه شریعت مجزومه است و دیگر
 ربا خوردنت بقول خدا تعالی وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ یعنی
 ترك کنید خوردن ربا را و در شوید از آن و دیگر احتراز از غیبت کردن مؤمنان
 قال الله تعالی وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا یعنی غیبت نکند بعضی از شما بعضی را
 اَجِبْتُ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ابدا دوست دارد احدی از
 شما گوشت مرده برادر خود را بخورد البته مکروه دارد و نخواهد خورد بدو غیبت

کرده باشد چنانکه گوشت برادر میت خود را خورده باشد و دیگر مال
 بیکدیگر را بناحق خوردن قوله تعالی وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ یعنی ^{بغیر}
 مال بیکدیگر را در میان خودتان بناحق دیگر برهمین نمودن از فساد کردن چنانچه
 خدا تعالی فرموده ان الله لا يحب الفساد یعنی خدا تعالی دوست ندارد فساد
 را و بانی آن هر که باشد خدای تعالی برکت از عمر و نعمت او بر میدارد و دیگر خیان
 کردنست چنانکه خداوند عالم در کلام مجید خود میفرماید لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ
 وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ یعنی خیانت نکنید بخدا و رسول او و خیانت
 ننمائید بامانتهای خودتان با وجود اینکه میدانید که خیانت زشت است باید
 دل و جان را یال گردانید از خیانت دیگر اسراف کردنست قال الله تعالی ان
 الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ یعنی اسراف مکیند و مسرفین اهل آتشند دیگر
 گمان بد بردن در حق مؤمنان برادران دینی است كما قال الله تعالی اجْتَنِبُوا
 كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ یعنی پرهیزید از گمان بردن بد در حق مؤمنان
 بد رسانی که گمان بد گناه و بهتان عظیم بود دیگر افسوس داشتن بر مسلمانان قوله
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَنْخَرِقُوا عَصِيَ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ یعنی ای کسانی
 که ایمان آورده اید بخدا و رسول سبک شمارید و مسخره نکنید جمعی از شماها
 جمعی را شاید بهتر از شماها باشند دیگر خواندن مردم را بلفظ زشت و نامرکب
 كما قال الله تَعَالَى وَلَا تَنْسَابُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ یعنی مؤمنان را بنام زشت
 بخوانید که فسق و بدنامی تمام است دیگر متابعت هوای نفس است قوله تعالی
 وَهِيَ النَّفْسُ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ یعنی نفس خود را از هوا و هو
 بازدارید و هر کس نفس را از هوا و هوس بازداشت جای او بهشت است و حضرت

در بیان عقاب ظالمین

۴۰

رسول فرموده حدیثی که مضمونش اینست بهترین خلق خدا ان قومند که در روی زمین بهوای نفس نباشند و دیگر این بودن از عذاب الهی است لَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ یعنی این نباشند از مکر خدای مکر قوم زبانکاران و دیگر پیروی شیطان کردن کما قال الله تعالى وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ یعنی متابعت شیطان نکنید بد رستی که شیطان دشمن آشکار شماست و دیگر کتمان شهادت کردنست کما قال الله تعالى وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتَمُ قَلْبُهُ یعنی هر کس شهادت خود را مخفی دارد بد رستیکه بدکار و عاصی خواهد بود و هر که گواهی بد روغ دهد بابت پرست برابر است بحکم این حدیث شریف قال النبی ص شاهد الزور کما یدلّ الوثن یعنی هر که گواهی بد روغ دهد چون بت پرست باشد و در جای دیگر لَا يَشْهَدُ الزُّورُ إِلَّا مَنَافِقٌ یعنی گواهی بد روغ ندهد مکر منافی ^{مکار} واجبست که حذر نمایند از گواهی بد روغ دادن و احتراز کردن از دروغ گفتن کما قال الله تعالى وَبَلَّيْتُمْ مَنَافِقَ الْكَذِبِینَ یعنی دوزخ روز قیامت جایگاه دروغگویان است کما قال تعالى الْكَاذِبُ عَذَابُ اللَّهِ یعنی دروغگو دشمن خداست کما قال النبی لَا کِبِيرَةَ أَكْبَرُ مِنَ الْكِذْبِ إِلَّا الشِّرْکُ یعنی هیچ گاه بزرگتر از دروغ نیست مکر شرک آوردن بخدای تعالی شعر چو از شرک بگذشت بد ترکگاه میان بیاورد دروغ است اه مکر دان زبانست بگرد روغ که باشد رخت دوزخ عالم سیا

فصل در بیان عقاب ظالمین

بدانکه خدا بی تعالی غافل از عمل ظالمان نباشد کما قال تعالى وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ غَافِلًا عَمَّا تَعْمَلُ الظَّالِمُونَ یعنی گمان مکنید که خدا غافلست از عمل ظالمان و نیز خدا بی تعالی فرموده إِلَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ یعنی بدانکه لعنت خدا بر پو ظالمین

و دیگر از رحمت خدا در باشد ظالمان فردای قیامت در زشت ترین صور
 خدا آنها را برانگیزاند کما قال النبی یُجْشَرُ الظَّالِمُونَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ عَلَى صُورَةِ الدِّبِیَعِ
 برانگیزانند ظالمان را در روز قیامت بصورت خرس قال النبی مَنْ سَلَّمَ ظَالِمٌ اخْتِیَا
طَارَمَتْهُ نُورُ الْاِیْمَانِ وَلَا یَرْجِعُ اَرْبَعینَ یَوْمًا یعنی هر که سلام دهد ظالم را یا اَبَا
 خود برود نور ایمان از وی و نیاید تا چهل روز و نسل ظالم نرود از دنیا تا آنکه
 منقطع شود از ظلم شد معویه را نسل منقطع و ز عدل ماند نام علی زنده در جهن
 قال النبی یَوْمَ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ اَشَدُّ مِنْ یَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ یعنی روز
 مظلوم بر ظالم سخت تر است از روزیکه ظالم بر مظلوم کرده باشد قال النبی اَکْثَرُ اَهْلِ
النَّارِ الْمُنْکِبَرُونَ شعر چون یقین میابدت رفتن بگور پس مکن بر هیچکس
 تو ظلم و زور زندگانی اینچنان کن در جهن کز نوازده نکرده مردمان
 یعنی اکثر اهل دوزخ منکبران می باشند پس یقین بدان که هیچ گاه بی بد ترا ظلم
 نیست بد نامی آن بسیار است و بعد از مرگ هرگز کسی نام او را به نیکی نبرد شعر
 در ملک خویش ظالم و فرغان طعش چندان روان بود که بر ابد روان او
 هر کس بظلم خانه مردم خراب کرد آباد بعد از آن نبود خانمان او
بَابُ هَشْتَمِی بَابُ اَنْ عَالَمٌ مُنْکِبَرٌ فَرَزَنْدِ بَابِ الدِّینِ
 و این مبنی بود بر سه فصل فصل اول در بیان عالم و اذاب و اول آنکه
 عالم باید که برد بار و حلیم باشد و نشست و برخاست با هستگی نماید و بر هیچ
 کس تکبر نوزد مگر بر منکبران و ظالمان چه آنکه بزرگان دین فرموده اند التَّكْبَرُ
 مع المنکبر عبادة و صدقه یعنی تکبر و گردن کشی کردن با گردنکشان عبادت است
 و مانند صدقه دادنت و اگر کسی از عالم سوالی کند یا حرفی برخلاف میل او

تا وی درستی نکند و جواب با صواب دهد و اگر در سوال خللی اصلاح کرده و با
 وی خشم نکند و اگر جواب او را نداند برخلاف مابرضوا لله جواب نگوید و حکم
 نکند و شاگرد را بر تقوی صلاحیت راهنمایی کند و بطرف آخرت سوق نماید
 و از وادی جهالت بیرون آورده و بنور علم متور گرداند اما معلمی کار پیچیده
 و اما مان است و هیچ مدرسه هنر از مدرسه الهی نیست که در انجام معارف
 معارف قرآن را یاد گیرند و مردم را بسوختن بخوانند **فصل در بیان**
ادب متعلم با عالم اول آنکه باید اسناد را بنام بخواند و چون او را به
 بپند تقطیع کند و غیبت اسناد را نکند و در حضور اسناد نخندد و کمر حرف
 زند و سخن بگوید و اگر از وی سوالی کنند زبان درازی نکند و جواب نگوید و در
 تمام موافق و مراتب رعایت احترام اسناد داشته باشد بحکم حدیث نبوی که فرمود
افضل الالباء ابو العلم یعنی افضل پدران پدر علم است نیز آنحضرت فرموده **الاباء**
ثلث اب و لک اب و زوجک اب علمک و خیر الالباء من علمک یعنی پدرها
 سه باشند یکی پدر نسبی یعنی پدر تناسلی و دیگری پدر دین و یکی عالمیکه
 نور علم بیا موزد و بهترین پدران پدری باشد که نور علم بیا موزد و در باره
 معلمان جناب سوختن فرموده **اللهم اغفر للمعلمین و اطل اعمارهم و بارک**
لهم کتبهم و قال **ایضا اللهم اغنی العلماء و وفی المتعلمین** و حضرت امیر المؤمنین
 علیه السلام فرمود در حق مؤدبان و معلمان کسی نتواند جواب گفتن دیگر حضرت
 رسول فرموده **ان افضلکم من تعلم القرآن ثم علمه** یعنی فاضلترین شما کسی است
 که قرآن را یاد گرفت و دیگران را تعلیم داد و در رجاء دیگر فرموده **اگر موالا ستادان**
کان فایقاً یعنی گرامی دارد اسناد را اگر چه فاسق باشد و دیگران غیرت فرموده

در تبیین حق و والدین

مَنْ حَقَّرَ اسْنَادَهُ لَيْتِي مَاقَرَأَهُ بِعَنِي هَر شَاكَرْدِيكَه حَقِير شَمَارْدَا سَنَّا خُود
 رَافَرَا مَوْش كِنْدَانِجَرَا كَه خُوانْدَه اسْت وَ نَبَر فرموده مَنِ اسْتَحَقَّ اسْنَادَه ابْنَلَاهُ اللَّهُ
 بَثَلَاثَه اشْيَا لَيْتِي مَاقَرَأَهُ وَ كَلَّ لِسَانَهُ وَ انْفَقَرَ فِي اخِر عَمْرِهِ بِعَنِي هَر شَيْئِكَ سَمَا
 اسْنَاد خُود رَا خُدا يَنْعَالِي وَ زَابِسَه چيز مَبْدَلَا سَا زِدَاوَلْ هَرْ چِه خُوانْدَه بَا
 فَرَا مَوْش كِنْد دَوْم اَنكَ زَبَانَش كِنْد شُود سَوْم اَنكَ دَرَا خِر عَمْرٍ دَر وِشَر وَ فَقِير شُود
 وَ چُون بَد خَانَه اسْنَاد رُو اَوَا ز بَلَنْد نَكَنْد وَ مَنظَر بَاشَد نَا اسْنَاد پَر وِن اَبَد
 طَرِيق مَرُوث وَ اَدَاب پَنَسْت چُون اسْتَاد اَوَا كَارِي فَر مَآيَد بِجَان وَ دَل اَوَا رَا
 كَامِل قِيَام نَمَآيَد وَ تَوَاضِع نَمَام كِنْد زَبَرَا كَه حَضَرَت رَسُول فرموده اَبْنَاءُ الْكَرَامِ
 اِذَا تَعَلَّمُوا اَنْتَوُا ضَعُوا وَاِبْنَاءُ اللِّثَامِ اِذَا تَعَلَّمُوا تَكَبَّرُوا بِعَنِي بَزْرَك زَادگان چُون
 عِلْم بِيَا مَوْزَنْد تَوَاضِع وَ فَرُوشِي نَمَآيَنْد بَا هَم كَس خُصُوصَا بَا اسْنَا خُود و دِيكِر حَضَر
 رَسُول فرموده مَنْ عِلْمَ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَهُوَ مَوْلَاهُ بِعَنِي هَر كَس بَلَا بِه از كِتَاب
 خُدا كَسْبَرَا بِيَا مَوْزِيس اَفَاي اَن بَاد كِرْنْدَه اسْت حَق اسْنَادِي بُوَا فَر وِشَر اَر حَقِيْد
 اِنْجِن اَمْد ز فَوَل حَضَرَت خَبَر الْبَشَر فَصِيْلَتِي مَرْدِي مَبْدَلَا حَق و

وَالدِّينِ اَوَّلُ السَّنَةِ هَرْ چِه كُوبَنْد بَشُنُود وَ بَان قِيَام نَمَآيَنْد زَبَرَا كَه خُدا
 نَعَالِي فرموده اِنْ اَشْكُرْ لِي وَلَوْ اِلَيْكَ بِعَنِي شَكْر كُنْ مَرَا كَه خُدا وَ نَدَم و پَد رُو مَادِر
 خُود رَا كَه شَكْر اَهَارَا فَر بِن شِكْر خُود قَرَار دَادَه وَ بَا اِيْشَان بَا تَوَاضِع وَ نَرْمِي سَخْن كُوبَنْد
 چنانكه خُدا يَنْعَالِي فرموده وَلَا تَقُلْ لَهُمَا اَقِ وَلَا تَهْزُمَا وَقُلْ لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا
 بِعَنِي بَر وُكَيْد وَ مَادِرَا ف نَكُوتِيْد وَ بَانَك بَرَا اِيْشَان تَرِيْنِيْد كَه رَضَا خُدا بَارِضَا اِيْشَان
 بَرَا بَر اسْت چنانكه حَضَر رَسُول فرموده رَضِيَ اللَّهُ رَضِيَ الْوَالِدَيْنِ بَعِي رَضَا خُدا
 نَعَالِي رَضَايِد مَادِرَا اسْت بَلِيْث جَنَّت كَه رَضَا مَادِرَا اسْت اَنْدَر كَفَاي مَادِرَا اسْت

در بیان حقوق والدین

۴۴

که تو میخواهی رضای کردگار و رضای والدین را کوشداری

و چون درباره ایشان نگویی کبی متبت برایشان منه و چون پدر و مادر بر پای خیزند
تو نیز بر پای خیز و در راه رفتن برایشان سبقت بگیر و رو در هم مکش و بی دستور
ایشان سفر مکن و رضایت مادر و ضعف ارعایت کن که حضرت رسول فرموده
الْحَجَّةُ تَحْتَ أَفْئَامِ الْأُمَّهَاتِ یعنی هشت در ز پندمهای مادرانست و رضای
خدا در رضا ایشانست و درباره عاق والدین میفرماید قل لعاق الوالدین عمل
ما شئت فانك لن تدخل الجنة یعنی بگو بباق والدین هر چه خواهی بکن که داخل
بهشت نخواهی شد دیگر حضرت رسول فرموده که ملك الموت درباره انکسائی
که در حق پدر و مادر احسان کرده باشند در موقع جان کندن بر او ایشان تبسم کند
و بار اهی قبض روح ایشان نماید و اما الهائیکه پید و مادر خورا از ده کند جان
کندن بر آنها بسیار دشوار باشد و العیاذ بالله من ذلک دیگر حضرت رسول فرموده
که فاضلین کسبها انستکه درباره ایشان احسان کنی كما قال الله تعالى وقضى ربك
ان لا تعبدوا الا اياه وبالوالدين احسانا ابن عباس گوید که حق تعالی امر کرده است
که سبایش نکند مگر خدا را و امر فرموده به نیکی درباره پدر و مادر كما قال الله اما
يبلغن عندك الکبر احدهما او کلها فلا تقل لها اف ولا تهترهما و قل لهما قولا
کریما یعنی چون آنها بزرگ و پیر شدند با ایشان در شیئی مکن بقدریکه اف هم بایشان
مگوی که کوچکیست حرفست امام صادق صلوات الله میفرماید که اگر کوچکی از
اف حرفی بود هر آینه خدا بعالی بان تعبیر میفرمود باین فرمایش امام و خدا بیغالی
اف نمیتوان گفت و اخفض لهما جناح الذک من الرحمة و قل رب ارحمهما كما ربتانی
صغیرا یعنی در حق پدر و مادر دعا کن و بگو پروردگار ارحم کن بر آنها هم چنانکه بر من رحم

كَرْبُكَ الْجَنَّةِ وَالْجَنَّةِ

کردند و اگر فاسق و کافر باشند در حق ایشان طلب مغفرت ممکن که در دین اسلام
روایت گویند که این آیه در حق ابی و فاص نازل شده **لَا أَقْبِلُ عَقُوبَ الْوَالِدَيْنِ عَمَلًا**
یعنی طاعات و عبادات عاق والدین را قبول نکنم پس نکوئی باید روماد را با سه چیز
برابر کرده اول با نماز دوم با حج سیم با جهاد و از حضرت رسول **سؤال** کردند که
عبادت خدا افضل است یا اطاعت پدر و مادر و خدمت آنها فرمودند خدمت
پدر و مادر افضل است و نماز و در اول وقت گذاردن شخصی بخد مت حضرت
رسول **امد** عرض کرد یا رسول الله بجهاد خواهی رفت انحضرت فرمودند پدر و مادر
در قید حیاتند عرض کرد بلی فرمود برو در حق پدر و مادر در مشفق و مهربان باش تا از
جمله مجاهدان باشی جناب رسول خدا **فرمود** هر که قریب و مادر را زیارت کند خدا
تعالی برای او ثواب حج و عمره بنویسد و روایت چنین آمده که روزی حضرت رسول
در مسجد نشسته بود ناگاه جبرئیل در رسید گفت التلام علیک یا رسول الله قدم بخم
فرموده بگورستان بقیع تشریف بیرید ناخال خدمت بان غریبان محبوسان زندان
تک نار یک رسید نسیم رحمت لطف تو بر ایشان وزد حضرت رسول **برخواست**
با یاران چند رو بگورستان بقیع نهاد مبرفتند جمعی در چپ راست انحضرت بودند
امیر المؤمنین با ایشان رسید عرض کرد یا رسول الله بکجا تشریف میرید فرمود بقیع
بقیع مبروم چون بمیان قبرستان رسیدند و از او بگوش انحضرت رسید که میگفت **الامان**
یا رسول الله جناب سالت مناب گوش بان قبر نهاده و فرمود ای اهل قبر مرا خبره از عذاب
خود ترا این عذاب برای چه میکنند و از آمدن که ای شفیع عاصیان ای مقدم اهل انما
نقبرین مادر مرا این عذاب مبتلا گردانیده که مادر مرا از رده است **الامان** الامان یا رسول
الله انحضرت بلال را فرمود که او از در شهر مدینه کند بلال با او از جلی ندا کرد که یا ایها

الناس اجتمعوا علی قبور الابرار و القراء بامر رسول الله نداء بلال بکوش
 اهل مدینه رسید شهر بجوش درآمده بگورستان بقیع حاضر شدند پس پیره زن عجزه
 ضعیفه پشت خمیده و بر عصا تکیه کرده آمد برابر انقبرستان ایستاده و بانحضرت سلام
 کرد و خاک پایش را بوسید عرض کرد یا رسول الله فرمان چیست فرمود ای پیره زن این
 فرزندت عرض کرد بلی یا رسول الله حضرت فرمود فرزند تو در میان بلا گرفتار است
 او را احلال کن پیره زن گفت یا رسول الله او را احلال نمیکم فرمود چرا پیره زن گفت و را با
 شیره جان پرورده و خون جگر خوردم تا روزی پشت پناه من باشد و بر من احسان کند
 و چون بزرگ شد هر روز با من جنگ کرده و من ضعیفه را از آزار داد انحضرت فرمود
 ای پیره زن دل خوش دار تا او از عذاب خلاص یابد انحضرت دست بدعا بلند
 کرده و عرض کرد خداوند بجزمت پنج تن اعیان او را بن فرزند را بکوش این پیره زن
 برسان تا مگر دل او بسوزد و بر فرزند خود رحم کند پس پیره زن را گفت کوش خود را
 بر قبر نزن تا او را از آتش پیره زن کوش داده ناله و زاری فرزند خود را شنیده زار
 زار گریست و گفت ای سید مرسلان و ای شفیع مذنبان این چه آوازا است که از قبر میآید
 که فوقی نار و تحیی نار و عنیمینی نار و عن شمالی نار و من بیخی نار الا مان الا مان
 ایما در زنتها ردل خوشدار اگر دل خوش نکنی تا قیامت همچنان در بلا خواهی ماند
 و بیشک درد و زخ میخورد خواهی بود پس پیره زن رقت کرد با حال پیرش و گفت
 خداوند از تقصیر فرزندم گذشتم در حال خداوند لباس رحمت با و پوشانید او را
 بخشید فرزند نداد ایما در خدا بنعالی از تو راضی باشد که از من راضی شد و بخشد

گر تو میخواهی رضای کردگار بر رضای والدینت کوش دار
 باب نهمی که بطلان کرامت میمان همیشه او توان بختیست

کرامت الکرامی الشیرین مبین

و این باب مبنی بر سه فصل است فصل اول در بیان اکرام ضیف بدانکه
 مهمانز باید کرامی داشت چنانکه حضرت رسول فرمود من اگر ضیفه فهو معی و مع
 ابرهیم فی الجنة یعنی هر که کرامی دارد مهمانزاد روز قیامت با من و ابرهیم باشد
 بهشت دیگر حضرت رسول فرمود الضیف لیل یعنی مهمان را همنای بهشت است
 و نیز آنحضرت فرمود الضیف اذا نزل نزل البرکة و اذا خرج خرج بذنوب اهله
 یعنی مهمان که فرود آید برکت هم فرود آید چون بیرون رود گاهان اهل آنخانه را
 ببرد و دیگر آنحضرت فرمود البشاشة فی وجه الضیف احب الی الله تعالی من
 عبادة مائة مئة یعنی خوشنود و خوشروئی در روی مهمان بهتر است نزد خدا
 تعالی از عبادت صد مئید پیشوا و دیگر آنحضرت فرمود اگر موال الضیف و لو
 کان کافرا یعنی کرامی دارد مهمانزاد اگر چه کافر باشد و اگر مهمان غریب باشد
 کرامی تراست که میفرماید اگر موال غریبانکم فانی فی الکبر کنت غریبا یعنی کرامی دار
 غریب یا زاکه من در بزرگی غریب بود قوله تعالی ان الانسان لربه لکنود قال
 رسول الله المراد الذی یاکل و خذ و یمنع رفته و یصرب عبده حضرت رسول
 فرمود هر که خواهد خدا و رسول زادوست دارند باید که طعام برای مهمان
 نخورد عرض کردند یا رسول الله روزه و حج و عمره کرده باشد فرمود اگر مؤمن نباشد
 که نزد او مهمان آید و نظر در وی نکند مگر آنکه حرام گرداند خدا تعالی بهر دود
 او آتش را عاصم بن صخره روایت میکند که روز جناب علی بن ابیطالب زادیدم کربه
 میکند گفتم یا امیر المؤمنین چه شده است تو را فرمود با صخره مرا مصیبتی رسیده است
 امروز هفت روز است مهمان بخانه من نیامده است میترسم که خدا تعالی بر من غضب
 کند و دیگر چنین آورده اند که خدا تعالی وحی کرد بحضرت ابرهیم که نورا خلیل خود کرد

مست نهادم و تو را بر سالت نهادم مست نهادم و تو را اسمعیل و اسحق دادم و
مست نهادم سرگاه بکفر ممان بنو فرستم مست بر تو نهادم برای بزرگی ممان دیگر
از آنحضرت روایتست حدیثی که مضمونش اینست که جبرئیل مرا خبر داد که هرگاه در
خانه برادر مسلمان مهمانی آید هزار برکت و هزار رحمت میآورد و در هنگام رفتن
گاهان اهل آنخانه را میبرد اگر چه گاهان ایشان بیشتر از اوقاف اشجار باشد و خدا که
اهل آنخانه را ثواب هزار شهید بدهد برابر هر لقمه که ممان بخورد ثواب حج و عمره
برای او بنویسد و برای او شهریه در بهشت عنبرین بپاشد بنا کند

فصل در حقوق همسایه

بدانکه همسایه را باید عزیز و گرامی داشت و نباید رنجاند زیرا که حضرت رسول فرموده
فَرَمُودَ مَنْ أَكْرَمَ جَارَهُ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ أَذَى فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ
وَالنَّاسُ أَجْمَعِينَ یعنی هر که گرامی دارد همسایه خود را هم چنان باشد که گرامی داشته
است هفتاد پیغمبر را و واجب میشود بر او هشتاد و یک نفر آنحضرت فرمود که مَنْ أَذَى
جَارَهُ يَغْبِرْ حَقَّ حَرَمِ اللَّهِ عَلَيْهِ رِيحُ الْجَنَّةِ وَمَا وَهُ التَّارُ یعنی هر که اذیت کند
همسایه خود را بدن حق حرام گرداند خدا بفرمانی بر او بوی بهشت را و حجامت و درود
و دیگر آنحضرت فرمود مَنْ أَطْلَعَ عَلَى بَيْتِ جَارِهِ فَرَأَى عَوْرَةَ رَجُلٍ أَوْ شَعْرَةَ امْرَأَةٍ
أَوْ شَيْئًا مِنْ جَسَدِهَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ النَّارُ و لا بیای یعنی هر که بی اجازه در
خانه همسایه رو و عورت مرده یا موی زنی یا جسد او را ببیند خدا بفرمانی واجب
گرداند اش و زخرا برو و باکی نداشته باشد و نیز آنجناب فرموده أَلَا إِنَّ اللَّهَ
يَسْتَلُّ الرَّجُلَ عَنْ جَارِهِ كَمَا يَسْتَلُّ عَنْهُ حَقَّ أَهْلِ بَيْتِهِ یعنی خدا بفرمانی سوال کند
از رفتار با همسایه ادا حقوق او چنانکه سوال کند از اهل خانه خود که چه کرده اند

کتابک صدقہ دارانست

فصل سیم در بیان صدقہ دارانست

بدانکه صدقه دادن ثواب بیشمار دارد نزد خدا بعلی لذا فرموده است مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتَالِهَا یعنی هر که نیکی کند برای خدا پس او راده برابر نیکی در دیوان اعمال او نوشته میشود و نیز میفرماید مثل الذین یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ یعنی کسانی که ائشان میکنند مالهای خود را در راه خدا مثل کسی بود که بکندانه در زمین بکار دهد و هفت خوشه برود و در هر خوشه صد حبه خدا بعلی زیاد کند هر که را خواهد مضاعف گرداند و دیگر فرموده إِنْ صَدَقَ السِّرُّ تَطَفَى غَضَبُ الرَّبِّ یعنی صدقه در پنهانی خشم خدا را بنشانند دیگر آنحضرت فرموده ذَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ یعنی دوا کنید بیمارهای خود را بصدقه دادن اگر چه اندک باشد نزد خدا بعلی بسیار بود چنانکه فرموده الصَّدَقَةُ تُرْدِي الْبَلَاءَ یعنی صدقه دادن بازگرداند بلا را دیگر آنحضرت فرموده الْقَلِيلُ عِنْدَ اللَّهِ كَثِيرٌ یعنی اندک چیزی از صدقه نزد خدای بعلی زیاد باشد **نظم** کز تو میخواهی که برگردد بلا با خلاقین خیر و احسانی نما **پاره** زانکه از سید صحیح است این خبر بهترین خبر است برد بلا دیگر حضرت رسول فرمود الصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ النَّارَ الْمَاءُ یعنی صدقه دادن بنشانند و بسوزاند گاه را چنانکه بنشانند آتش را و دیگر فرموده الْجَحِيلُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَالسَّخِي لَا يَدْخُلُ النَّارَ یعنی بخیل بهشت نرود و سخی بد و زخ نرود و دیگر فرموده كَافِرٌ سَخِيٌّ أَرْجَى بِالْجَنَّةِ مِنْ مُسْلِمٍ جَحِيلٍ یعنی کافر سخی امیدوارتر است بهشت از مسلمان بخیل و دیگر آنجناب فرموده السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ وَقَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَبَعِيدٌ مِنَ النَّارِ وَالْجَحِيلُ السَّخِيُّ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْعَابِدِ الْبَخِيلِ یعنی سخی نزدیک است بخدا و نزدیک است بهشت

و نزد پست بخلق و بخیل و راست از خدا و در راست از بهشت و در راست از خلقت و نادان سخی نزد پست است بخدا از عبادت کننده بخیل و نیز انجناب فرموده الْجَنَّةُ دَارُ الْأَنْحِيَاءِ یعنی بهشت جای سخا و نماند است شعر هست جنت جای که سخی است زانکه هر کس بخل و زود و زحمت خاتم در ربیبک معاصی اندام و عمل خالص نالیف و محبت قلوب بدانکه نصف بن طاعت است و نصف ان از نگاه باز داشتن است اندام را و بدانکه در روز قیامت تمام اعضا نور تو گواهی دهند و نور در میان اولین و آخرین رسوا خواهند نمود چنانکه خدا تعالی در کلام مجید فرموده يَوْمَ تَشْهَدُ لِسْمِهِمْ وَاَبْدِيهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ یعنی روز قیامت زبان شما و دست پای شما بر شما گواهی دهند بآنچه که شما در دنیا کرده اید و جمله اندام و اعضا خود را نگهدارید خاصه چشم و گوش و پا و شکم و فرج خود را اما چشم را از جهت آن افزیده است که بان راه روی چشم از پشت پای خویش بر نداری و آسمان و زمین را نگاه کنی و عبرت گیر چنانکه فرموده فَاَعْبُرُوا يَا اُولِي الْأَبْصَارِ یعنی عبرت گیرید ای صاحبان چشم و آثار رحمت حق تعالی را بنگرید و چشم خود را از نامحرم بپوشید و گوش را بهران افزیده که ناسخن خدا و رسول را بشنوی و علم حاصل کنی و بعبادت ابد نائل شو و در بشارت اهل باطنی که خدا پیغمبری فَبَشِّرْ عِبَادِيَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ یعنی ای محمد مژده بده ان بندگان را که می شنوند قرآن را و متابعت میکنند از قول آن و گوش را آنکه دارند از بدعت و سخن چینی و فحش و غیبت حضرت رسول فرموده سَامِعِ الْغَيْبِ أَحَدُ الْمُغْتَابِينَ یعنی شنونده غیبت مثل یکی از غیبت کنندگان است شِعْرُ

مکن غیبت و گوش را اگر بگردان که غیبت بود توشه کمر همان

اما زبان را از برای آن فریده که ذکر خدا و قرآن را بخواند چنانکه خدای تعالی فرموده
 فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ یعنی مرا یاد کنید تا من شما را یاد کنم دیگر فرموده که أَفْضَلُ الذِّكْرِ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ و هر ذکر که غیر از این باشد زبان را
 نگه دار خاصه از دروغ گفتن که گناه بزرگست و چون بدروغ گفتن معروفست
 کسی بر قول تو اعتماد نکند و از خلف عده کردن که نشانه نفاقست چنانکه حضرت
 رسول فرموده علامه المنافق ثلاث اذا وعد خلف اذا حدث كذب و اذا امن
 خان یعنی منافق را سه نشانه است چون وعده کرد خلاف کند چون سخن گوید
 دروغ گوید و چون امانت بآورد هندیانت کند شعر هر آنکس که گوید سخنها
 دروغ نباشد و وعده اش را فروغ اما شکر را از حرام و شبهه خوردن
 نگهدارد و از حلال اندک خود که چون معده پر شود دل سیامیگرد و حافظه
 نباه شود و از اعضا بعبادت نپردارد و سپر خوردن از حلال کلبه همه بلینها
 است پس اگر از حرام نباشد چگونه خواهد بود و طلب کردن روزی فریضه است و
 بنان بی خورش فثاعت کردن از حلال در نماند و یقین بدان که هر گشتی از لقمه
 حرام برتن او بپزداید پس سزاوار است که به الش و رخ بسوزد كما قال النبي كل لحم
 نبت من الحرام فالتار اولی لها یعنی هر که گوشتش از حرام بپزداید پس سزاوار است
 بانس اما نگاه داشتن دست از خوردن مسلمانان و حرام گرفتن و خیانت کردن
 بقلم چیزی نوشتن که بزبان نشاید گفتن از آنکه قلم چون زبان بود بلکه عظیم تر از
 آنست زیرا که نوشته میماند و گفته میرود چنانکه مسلمانان از دست زبان رحمت
 نباشد كما قال النبي المسلم من سلم المسلمون من لده ولسانه یعنی مسلمان کسی
 که سلامت باشند مسلمانها از دست زبان او و اما فرج را از زانگاه داشتن که بسیار

خوردن شهوت را بفراید و شهوت اندیشه آورد و اندیشه بر نکرستن زنا و حرام است
پس اصل همه شهوتها بسیار خوردن است خاصه نگاه داشتن از شهوت زنا که برکت
از مال و عمر بردارد قال النبی الزنا یورث الفقر یعنی زنا باعث شود فقر را دیگر
لغمان حکیم فرزند خود را گفت یا بنی لا تزن فان الطیر لوزنی تناثر ریشه یعنی
ای پسر زنا مکن که اگر مرغی زنا کند پروبال او فرود برد اما پاهای او را نگاه داشتن
از خانه طالمان رفتن با از عقب نا محرمات رفتن خداوند عالم را برای آن فریده است
که بجا آنها مناسب و در خصوص زیارت ائمه علیهم السلام زیارت مؤمنین با قضاء حوائج
انها با زیارت بیت الله و بجانۀ سلاطین و وزراء و ظلمه و عاملان آنها نزد مکربران
ضرورت و هر کس توانگر بر اتواضع نماید برای دولت و نور از رخسار پروردگار قال الله
تعالی لعن الله من اكرم الاغنیاء لغناه و من اهان الفقیر لفقیره لا یفعل
هذا منافق بل عدو لله یعنی لعنت خدا بر آن کسی باد که گرامی دارد تو آنکه از ابرار
توانگر است آنها و خوار دارد فقیر را بسبب فقرش این کار را نکند مگر منافق که او دشمن
خدا است مادرا از حد و بر پا و شرز و عجب که پاک کند که با این صفات عمل تورا
هیچ قربی نباشد بلکه هرگز مقبول نشود و اخبار و احادیث بسیار در اینخصوص
وارد شده است تورا این جمله کفایت کند که جابر انصاری گوید از حضرت رسول
شنید که باصحاب خود فرمود که چیزی بیا موزم شمارا اگر نگاهدارید سو منند شود
و اگر ضایع کنید شمارا عذر و حجت نماند نزد خدا تعالی که او را هفتاد فرشته
است که ایشانرا پیش از آفرینش زمینها و اسمانها فریده است هر یکی را بر یکی از
درهای اسمان موکل کرده است چون کرام الکاتبین که رقبند بر اعمال بندگان
از بامداد تا شب نگاه عمل بندگان را میگردانند و با اسمان اول میرسانند و فرشته که در بام

آسمان اولست گوید این عمل را ببرد و برو صاحبش بزنند که فرشته غیبتم خدا
تعالی فرمود که عمل غیبت کننده را نکذارم از من بگذرد و دیگر بر آنکه غیبت نکرده
باشد میبزنند چون با آسمان دوم میبزنند دربان آن گوید که این عمل را برگردانند
و برو صاحبش بزنند که مراد از این عمل غرض دنیوی بوده و مرا امر کرده اند که عمل
انوارا نههم که در میان مردم فخر و مباهات میکرد پس عمل بنده دیگر را میبزنند
نور او از وی بنابدا از صدقه و نماز و روزه چون با آسمان سوم رسانند دربان آن گوید
این عمل را بروی صاحبش بزنند که من فرشته کبر و او در میان مردم و مساجد
تکبر میکرد و من اجازه ندارم که عمل او را بگذرانم پس عمل بنده دیگر را میبزنند چون
سناره درختان از نماز و روزه و حج و عمره چون با آسمان چهارم میبزنند دربان
آن گوید این عمل را برگردانند و برو صاحبش بزنند که من فرشته عجبم که نکذارم عمل او
از من بگذرد زیرا او کاری نکرده است که عجب در میان نباشد پس عمل دیگر را می
برند چون با آسمان پنجم رسد دربان آن گوید که این عمل را برگردانند و بروی صاحبش
بزنند که من فرشته حسد و نکذارم که عمل وی از من بگذرد پس عمل بنده دیگر را می
برند چون ماه روشن با آسمان ششم چون رسد دربان آن گوید این عمل را بروی او ن
زنند که من فرشته رحم و مهر که زارنج و مصیبتی سید بوی رحم نکردی و شاد شدی
نکذارم عمل وی از من بگذرد عمل بنده دیگر را میبزنند که در روشنائی مثل افتاب بود
از زهد و ورع و تقوی هزار فرشته او را میبزنند چون با آسمان هفتم رسانند دربان
او گوید که این عمل را بروی او باز زنید که من فرشته پاهستم و نکذارم که هر عملیکه برای خدا
تعالی نباشد و در آن ریا باشد از من بگذرد و هر عملیکه خالص برای خداوند و لایق
درگاه الهی نباشد او را قبول نکنند پس عمل بنده دیگر را از آسمان هفتم در گذرانند که





۱۳۰۷
۱۳۰۷